



ابنيه و آثار تاريخی مراغه

بقلم

عبدالعلي کارنگ



ازانتشارات

اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی

شهریورماه ۱۳۵۰

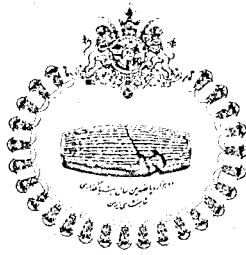


شماره ثبت اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی ۱۳۷-۱۹/۵/۵۰

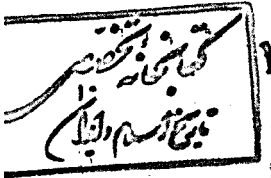
تعداد چاپ شده یک هزار نسخه

کلیشه از گراورسازی شعاری

چاپ و صحافی : چاپخانه شفق تبریز



بمناسبت جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری
شاهنشاهی ایران



ابنیه و آثار تاریخی مراغه

بقلم
عبدالعلی کارنگ

از انتشارات
اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی
شهر یورماه سال کورش کبیر

ابنيه و آثار تاريخى مراغه

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۳	مراغه
۸	۱. برج یا گنبد سرخ
۱۱	۲. برج استوانه‌ای
۱۳	۳. برج کبود
۱۶	۴. گنبد غفاریه
۱۸	۵. رصدخانه مراغه
۲۰	۶. مسجد معزالدين
۳۱	۷. امامزاده عطاءالله
۳۳	۸. زنجیرلی مسجد
۳۳	۹. مسجد ملا رستم
۳۶	۱۰. مسجد جامع
۳۷	۱۱. مسجد آقا محمد تقی
۳۸	۱۲. مسجد شیخ بابا
۴۲	۱۳. مقبره اوحدی
۴۴	۱۴. مقبره امامزاده معصوم
۴۹	بناب
۵۰	۱۵. مسجد مهرآباد
۵۲	۱۶. مسجد گز اوشت
۵۳	ملحقات
۶۱	فهرست اعلام

بنام خدای دانا و توانا

مراغه :

مراغه بر دامنه جنوبی کوه سهند (۳۵۴۷ متر) ، و در ۳۷ درجه و ۲۳ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۱۴ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرنویچ قرار گرفته است . کوه سهند مراغه را از تبریز جدا می کند . ارتفاع مراغه از سطح دریای آزاد ۱۴۸۵ متر و فاصله آن از تبریز بطور مستقیم ۷۶ کیلو متر و از طریق جاده آسفالت بزرگ ۱۳۰ کیلو-متر است .

بطلمیوس دریاچه چیچست را بمناسبت واقع شدن در کرانه غربی ناحیه مراغه، دریاچه « مارگیانه Mārgiāne » خوانده است . مارک آنتوان در سال ۳۶ قبل از میلاد مسیح هنگام ذکر حوادثی که در زمان پارتیها در این منطقه رخ داده ، از این محل به نام « فراته Frāata » یاد می کند . بلاذری ، ابن الفقیه و یاقوت حموی نام سابق این شهر را « افرا روز » و « فَرَا روز » ذکر کرده اند .

در سال ۲۲ هـ . ق ، مراغه بوسیله مغیره بن شعبه گشوده شد . در سال ۱۲۳ هـ . ق مروان بن محمد موقع بازگشت از جنگ مغان و

گیلان در این محل فرود آمد، اقامت اختیار کرد و بناهایی در آن برپا ساخت. از این زمان راجع به نام مراغه افسانه‌ای پیدا شده است که چون در این آبادی سرگین فراوان بود و مراکب قشون عرب در روی آنها غَلَطْ می‌خوردند لذا نام آن را «مراغه» گذاشتند.

هنگام خلافت هرون الرشید در آمد شهر مراغه به دختران خلیفه اختصاص داشت.

در زمان و جنابن رواد، حاکم آذربایجان به دور شهر مراغه باروی محکمی کشیده شد.

در زمان جنگهای اعراب با بابک خرمدین، این شهر پناهگاه قشون عرب بود، حتی افشین مراغه را مرکز زمستانی قشون خود قرار داد. در ۲۸۰ ه. ق فرمانروائی مراغه به محمد افشین بن دیو داد رسید. بعد از وی برادرش یوسف به جای او نشست و در سال ۲۹۶ به نام خود در مراغه سکه زد. در دوران فرمانروائی یوسف مراغه معمور شد. یک دارالاماره، یک خزانة و چند اداره دولتی در آن بنا گردید. کم‌کم قدرت یوسف بالا گرفت، مورد تأیید خلیفه واقع شد و مرکز حکومت خود را به اردبیل منتقل ساخت.

در سال ۳۱۷ ه. ق آخرین فرمانروای «بنی ساج» یعنی «ابوالمسافر الفتح» در مراغه بقتل رسید. در ۳۳۲ ه. ق، مسافریان دیلمی به مراغه دست یافتند، از این دوران سکه‌ای به نام محمد بن عبدالرزاق سردار رکن الدولة دیلمی و سکه‌هایی به نام «ابراهیم» و «جستان» دو پسر

مرزبان دیلمی در دست است که در شهر مراغه ضرب شده‌اند .

در سال ۴۲۰ قشون غز را در مراغه می‌بینیم. در سال ۴۶۶ مراغه جزو قلمرو سلاجقه بشمار می‌آید و در سال ۴۹۸ هـ. ق، محمد پسر ملک‌شاه سلجوقی با اعزاز تمام از مراغه دیدن می‌کند .

در ۵۰۵ هـ. ق، امیر احمد یل بن ابراهیم بن وهسودان در مراغه فرمان می‌راند. در سال ۵۱۴ هـ. ق، قشون ملک مسعود سلجوقی در حوالی مراغه با قشون ملک محمود رو به رو می‌شود، در ۵۱۶ مراغه به تصرف قشون محمود درمی‌آید، و محمود گناه برادرش مسعود را می‌بخشد و از وی در می‌گذرد. چند سال بعد آقسنقر به اتابکی داود فرزند محمود منصوب می‌شود و به فرمانروائی مراغه می‌رسد. بعد از کشته شدن آقسنقر به دست فدائیان اسماعیلی، پسرش نصر الدین ارسلان آبه با سمت اتابکی فرزند محمد بن محمود، به جای پدر می‌نشیند، و در سال ۵۷۰ ارسلان آبه در می‌گذرد و فرزندش علاء الدین کورپه ارسلان منصب اتابکی و حکومت مراغه را احراز می‌کند. کورپه ارسلان ممدوح نظامی گنجوی است.

در سال ۶۲۲ جلال الدین خوارزمشاه بدون برخورد با مقاومت مهمی، داخل مراغه می‌شود، در سال ۶۲۸ مراغه به تصرف سپاهیان مغول درمی‌آید، در ۶۵۶ مرکز فرمانروائی هلاکو محسوب می‌گردد و خواجه نصیر الدین طوسی با همکاری چند دانشمند ستاره شناس دیگر مأمور تأسیس رصدخانه می‌شود. چون هلاکو خود بودائی و زن و مادرش مسیحی بودند لذا در این دوران مراغه و حوالی آن مرکز مسیحیت بشمار می‌رود،

رومیان ، ارامنه و نسطوریان ، مخصوصاً دانشمندان و صاحبان حرف و هنرمندان این فرق در مراغه گرد می آیند، کلیساهای متعددی ساخته می شود، تزییناتی نیز درباره مسلمانان بعمل می آورند. تائوت فرمانروائی به غازان خان می رسد، وی اسلام می آورد و زیر حمایت او، ورق بر می گردد و زمان تعقیب و تضعیف مسیحیان متعصب فرا می رسد. کلیساهای تبدیل به مساجد و دست مبلغین مسیحی از شهرهای بزرگ آذربایجان کوتاه می شود .

در سال ۷۱۲ ه. ق ، شمس الدین قره سنقر ، امیر الامرء حلب و نایب السلطنه مصر به ایران فرار می کند ، اولجایتو او را پناه می دهد و به فرمانروائی مراغه منصوب می سازد، دوران حکومت به ابوسعید بهادرخان می رسد، ابوسعید باملك الناصر فرمانروای مملوك مصر از در دوستی درمی آید، ملك الناصر در صدد تقاضای اعاده شمس الدین بر می آید ، ابوسعید به ظاهر خودداری می کند ولی در خفا وسائل قتل قره سنقر را فراهم می سازد و جسد وی در گنبد غفاریه به خاک سپرده می شود .

در ۷۳۷ ه. ق ، شیخ حسن جالیری در نزدیکی مراغه قشون طغا- تیمور را منهزم می سازد. در سال ۷۳۸ محمد که داعیه تخت و تاج داشت در مراغه رخ در نقاب خاک می کشد .

در ۷۵۱ ه. ق ، اشرف چوپانی ، وزیر خود را در مراغه مجبوس می کند . در ۷۹۵ ه. ق ، مراغه از طرف تیموریان تخریب می گردد . در سالهای ۸۰۰ به بعد رضی الدین ابراهیم العزی ، خواجه معز الدین اویس و خواجه جلال الدین میرك فرزندان وی وزارت و اداره امور مراغه را

به عهده می گیرند و مراغه رو به آبادی می گذارد. هنگام غلبه شاه اسماعیل، در مراغه نیز مانند دیگر شهرها کشتاری رخ می دهد، اما در زمان شاه طهماسب صفوی بنای مساجد و مدارس و ساختمانهای عام المنفعه آغاز می گردد و مراغه، حتی آبادیهای حوالی آن نظیر بناب، از رفاه و آبادانی بزرگی برخوردار می شوند.

در جنگهای بزرگ ایران و عثمانی، اندک مدتی عبدالعزیز پاشا بر مراغه فرمان می راند، در سال ۱۱۴۲ ه. ق، مراغه و دهخوارقان به دست نادر گشوده می شود. از زمان عباس میرزا نائب السلطنه، تقریباً حکومت حوالی مراغه به احمد خان مقدم و خانواده وی اختصاص می یابد، گرچه شیخ عبیدالله کُرد در ۱۲۹۷ ه. ق، خود را به حوالی مراغه می رساند، اما هجوم وی و همراهانش دفع و سکون و آرامش به مراغه باز می گردد. صمدخان شجاع الدوله مدافع سرسخت و معروف استبداد، بازمانده ای از خانواده مقدم مراغه بود. کاخی در پایان کوچه شیخ تاج نزدیکیهای ساحل رودخانه «صافی» داشت، که ویران شد و بکلی از بین رفت. اکنون مراغه شهری است آباد، با نعمت فراوان، آثار ارزنده باستانی بسیار، دارای گردشگاههای دلگشا، مسافرخانههای تمیز و پاکیزه، مردمی خوش برخورد و مهمان نواز، و روز به روز بر عمران و وسعت آن افزوده می شود و امید می رود ان شاءالله، آینده ای بهتر از این داشته باشد.^۱

۱. مأخذ اصلی این قسمت مقالة تحقیقی بسیار ارزنده مرحوم ولادیمیر مینورسکی است که بنده آن را بنا به اشارت دوست دانشمند ارجمند آقای حبیب یغمائی از متن فرانسوی دائرة المعارف اسلامی به فارسی درآورده ام و در شماره ۴

آثار باستانی مهم موجود در مراغه عبارتند از چهار بُرج مقبره‌ای، مسجد معزالدین و مقبره وی، غار پائین رصدخانه، امامزاده عطاءالله، مسجد زنجیرلی، مسجد ملا رستم، مسجد جامع، مسجد شیخ بابا و ستون سنگی نبشته شده موجود در آن، مقبره اوحدالدین مراغی معروف به اصفهانی، غار امامزاده معصوم و رجوی و قبرستان تاریخی آن.

۱. برج یا گنبد سرخ:

بُرج یا گنبد سرخ که در قسمت جنوب غربی شهر واقع شده، بُرجی است دو طبقه. طبقه پائین آن سرداب یا زیرزمینی است دارای قاعده مربعی به ضلع قریب پنج متر، در وسط این سرداب ستونی از آجر تعبیه شده به ارتفاع نود سانتیمتر با پایه مربع شکلی به ضلع شصت سانتیمتر. پوشش سرداب از چهار طاق ضربی کوچک تشکیل یافته که از يك سو به پایه مزبور و از سوی دیگر به دیوارهای سرداب تکیه داده‌اند. در این سرداب يك یا دو قبر بوده که اکنون اثری از آنها باقی نیست. طبقه فوقانی بُرج اطاقی است چهار پهلو، به ضلع قریب شش متر،

← سوم، سال هجدهم مجله یغما، خرداد ماه ۱۳۴۴، بچاپ رسیده است. این بار مطالبی که در متن مقاله بود با مآخذ و منابع اصلی تطبیق داده شده و موارد چندی که مرحوم مینورسکی دسترسی بدانها نداشته از روی مآخذی که در پایان مقال نام آنها آورده خواهد شد و همچنین مطالعاتی که در سنگنبشته‌ها و کتیبه‌های موجود در مراغه بعمل آمده، با رعایت همان شیوه ایجاز، به مقاله افزوده و مطالب زائدی که تصور می‌رفت مایه ملال خاطر خوانندگان را فراهم آورد حذف گردیده است. بنابراین خواننده عزیز، در این رساله مختصر مطالب بکر و تازه بسیاری مطالعه خواهد فرمود.

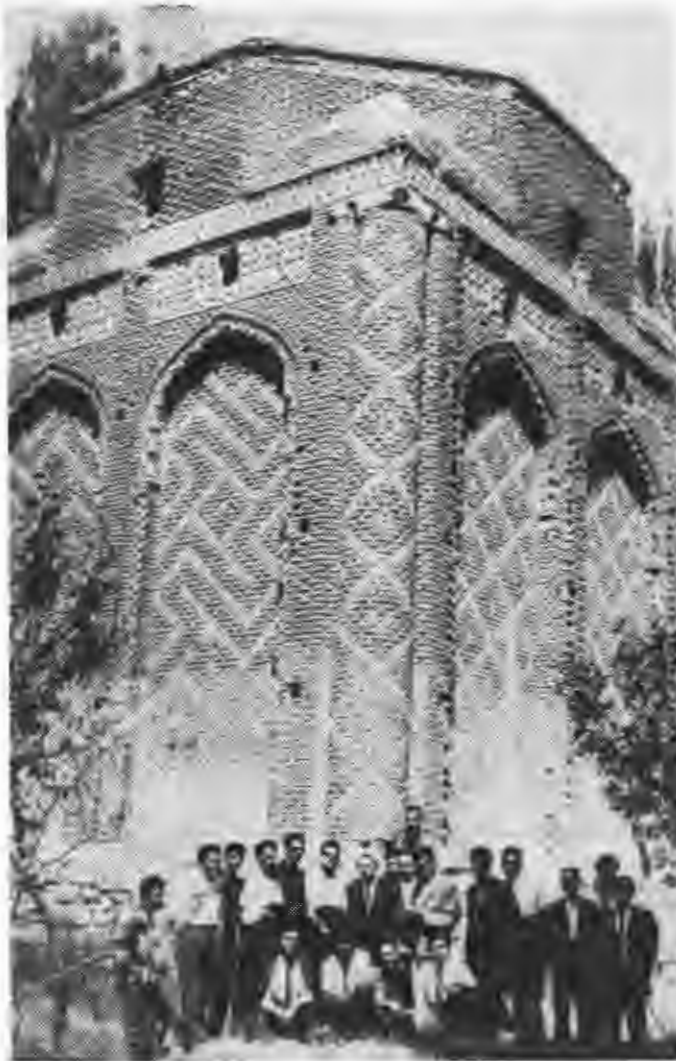
با سقفی بلند و دیوارهای آجری که در بدو ساختمان پوشش وزینتی از گچ داشته‌اند که بمرور زمان همه آن پوشش و زینتها از بین رفته است .

نمای خارجی بُرج نیز چهار پهلوی است . ازاره سنگی بالنسبه بلندی - به ارتفاع يك متر و نیم - دارد . بالای ازاره تا انتهای بُرج همه از آجر سرخ رنگ ساخته شده است . سه پهلوی شرقی و غربی و جنوبی بُرج هر يك دارای دو طاقنمای آجری با طرحهای تزئینی و سر طاق منقش تخمیری است . و پهلوی شمالی آن که مدخل اطاق بالا در آن تعبیه شده دارای يك طاقنمای جالب عمیق است که بالای آن بانقش و نگار تخمیری و کاشیهای ساده آبی رنگ متداول دوره سلجوقی تزیین یافته است .

در نفول طاق سر در با خط کوفی تزیینی عبارت « بُنی هذا المشهد فی الحادی عشر من شوال سنة اثنین و اربعین و خمسمائة » و در حاشیه شرقی آن آیه « بسم الله الرحمن الرحیم ، لاتقنطوا من رحمة الله » و در حاشیه غربی دو جمله « عمل العبد المذنب الراجی الی عفو الله » ، « بنی بکر محمد بن بندان البناء بن المحسن معمار » در دو سطر نوشته شده است . و در دور طاق كوچك بالای در ورودی با همان خط عبارت « امر ببناء هذا القبة ، الامیر الرئيس العالم ، فخر الدین ، عماد الاسلام ، قوام آذربایجان ، ابوالعزین محمود بن سعد ، یدیم الله علاه » درج گردیده و در وسط همین طاق طرح جالبی مرکب از اشکال مختلف هندسی بر دور يك ستاره شش پر و يك کثیر الاضلاع منتظم دوازده ضلعی نظر بیننده را به خود جلب می کند .

در چهار گوشه قسمت فوقانی بُرج ، چهار نیم ستون آجری متصل

به بنا تعبیه شده که بالای هر يك از آنها قطعه سنگ سفید مربعی نهاده اند. طرح تزئینی ستونها عبارت از هفت لوزی است که مانند حلقه های زنجیر



برج یاگنبد سرخ مراغه

پاوری

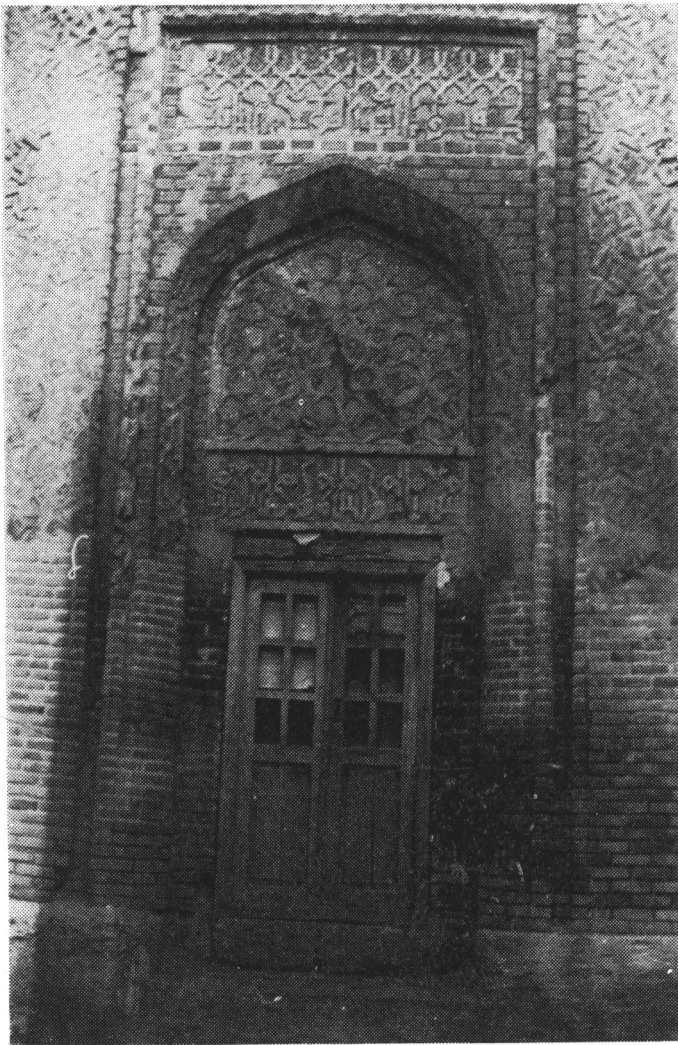
آویزان از همدیگر آویخته شده‌اند. سقف برج دوپوش یعنی مرکب از دو گنبد بوده، یکی داخلی و ساده، و دیگری خارجی به شکل هرم مئمن القاعده که بر روی پایه‌ای هشت پهلوی قرار گرفته بود. اکنون گنبد بالائی فرو ریخته ولی پایه هشت پهلوی یا منشوری آن همچنان باقی و نشان دهنده نوق و مهارت طراح و معمار هنرمند بناست.

۲. برج استوانه‌ای :

در جانب شمال شرقی چهار راه بزرگ خیابان خواجه نصیر و اوحدی مراغه، پشت بنای زیبای بانک ملی، در جنب دبستانی نوساز، دو بُرج مقبره‌ای بلند پهلوی هم قرار گرفته‌اند، یکی شکل استوانه‌ای دارد، و دیگری شکل منشور منتظم ده پهلوی.

بُرج استوانه‌ای شکل، ظاهری ساده دارد، ازاره‌هایش سنگی است، از همان سنگ سفید سوراخدار که در ازاره دیگر بُرجها و بناهای باستانی مراغه از آن استفاده شده است. این بُرج نیز از دو طبقه تشکیل یافته: سرداب مقبره و اطاق بالای آن. کف سرداب تا نزدیکیهای دریچه مدخل آن از خاک پُر شده و قبری در آن به چشم نمی‌خورد، اما اطاق بالائی کفش تقریباً تغییری پیدا نکرده ولی گنبد دو پوش سقف آن فرو ریخته و چندی پیش با سقف چوبی شیروانی مانندی پوشانیده شده است. داخل اطاق سابقاً پوشش و تزیین گچی داشته، شاید نوشته‌ای نیز در آن میان بوده که همه از بین رفته و فقط اینجا و آنجا گچ پاره‌هایی به جا مانده است.

در بیرون بُرج نیز بجز قسمت درگاه اطاق تزئینی بکار نرفته و تزئین آن هم عبارت است از تعبیه اشکال مختلف هندسی با ترکیبی از کاشی



درگاه طبقه فوقانی برج استوانه‌ای مراغه

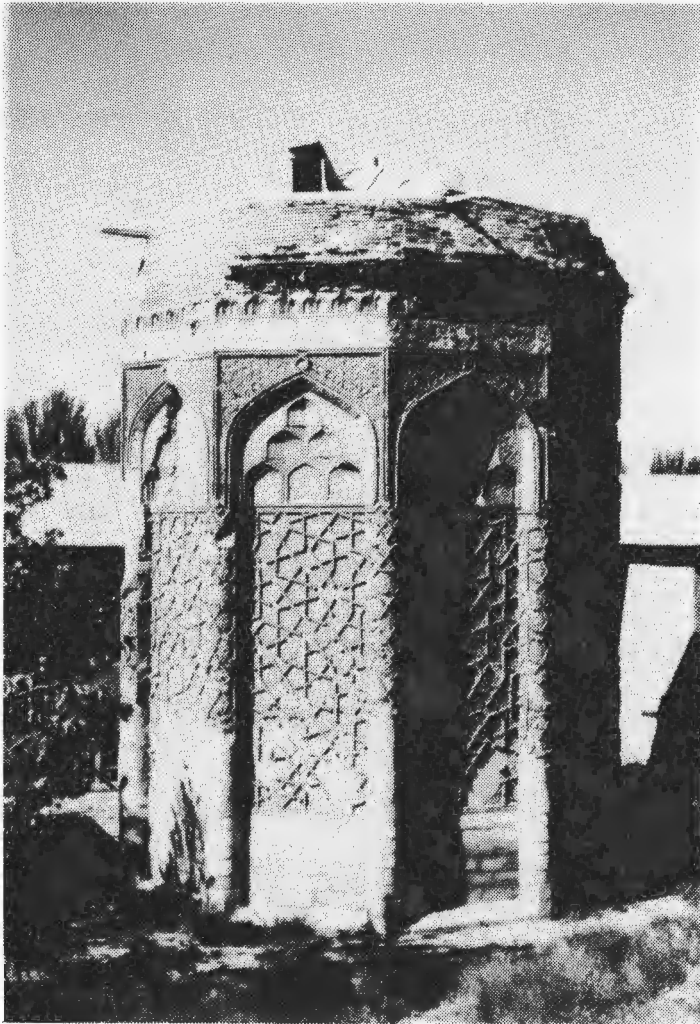
فیروزه‌ای رنگ و آجر و سفال، و دوکتیبه به خط کوفی تزیینی از کاشی فیروزه‌ای در نغول بالا و پائین طاق کوچک بالای در ورودی که مضمون آنها چنین است: «كُلْ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ، تَمَّ الْبِنَاءُ بِرَجَبِ سَنَةِ ثَلَاثٍ وَخَمْسِ مِائَةٍ»، و بدین طریق روشن می‌شود که بنای مقبره در رجب ۵۶۳ پایان یافته ولی بانی و مدفون در مقبره معلوم نیست.

۳. برج کبود:

در کنار بُرج استوانه‌ای مراغه، به فاصلهٔ قریب ده، دوازده متر، بُرج ده پهلوی منشور شکل زیبایی وجود دارد که مردم محل آن را «قبر مادر هلاکو» یا «گوی بُرج» می‌نامند.

پهلوهایی این بُرج دارای طاقنما و حاشیه و قطارکاری و دندانه است و در کنار آنها پایه‌های ستون ماندی ساخته شده که مثل سطح خارجی طاقنماها با تزیینات تخمیری مرکب از آجر و سفال و کاشی فیروزه‌ای رنگ با اشکال هندسی بطوری بدیع آرایش یافته است. شاید وجود این همه کاشی فیروزه‌ای باعث شهرت بُرج به «گوی» یعنی «کبود» شده است. این برج نظیر دیگر برجهای مقبره‌ای دارای دو طبقه فوقانی و تحتانی است. قسمت پائینی سرداب و مخصوص دفن میت است و قسمت بالائی طاقی است مزین با گچبری و کاشی و نوشته، با سقفی بلند، منتهی گنبد آن فرو ریخته و قسمت اعظم گچبری و تزیینات و نوشته‌های آن از بین رفته است و فقط در زیر پطاق گنبد قسمتی از آیهٔ اول سورهٔ ۶۷ یعنی «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمَلِكُ ...» با خطی نزدیک به ثلث در حاشیهٔ گچبری

پهنی بچشم می خورد. سقف طبقه پائین، طاق مقرنس کوتاهی است. و در دیوار غربی سرداب، روی سنگ قبری دو آیه شریفه « کُلْ مِنْ عَلَيْهَا



برج کبود مراغه

یاوری

فان، و یبقی وجه ربك ذوالجلال والاکرام» با خط ثلث برجسته گچبری شده است.

مدخل طبقه پائین، کوچک و در ضلع شرقی بنا، و سه پله بالاتر از کف سرداب است.

در پایان این بحث باید سه نکته را یادآور شد:

۱. همه کسانی که اعم از عالم و عامی از بُرج کبود نام برده‌اند آن را هشت پهلوی و مثنی القاعده ذکر کرده‌اند در صورتی که اگر پهلوهایی بُرج را می‌شمردند به آسانی درمی‌یافتند که این بُرج ده پهلوی است نه هشت پهلوی.

۲. سنگهای ازاره بُرج کبود برخلاف سنگهای ازاره برجهای مقبره‌ای دیگر مراغه تراش بالنسبه خوبی خورده‌اند.

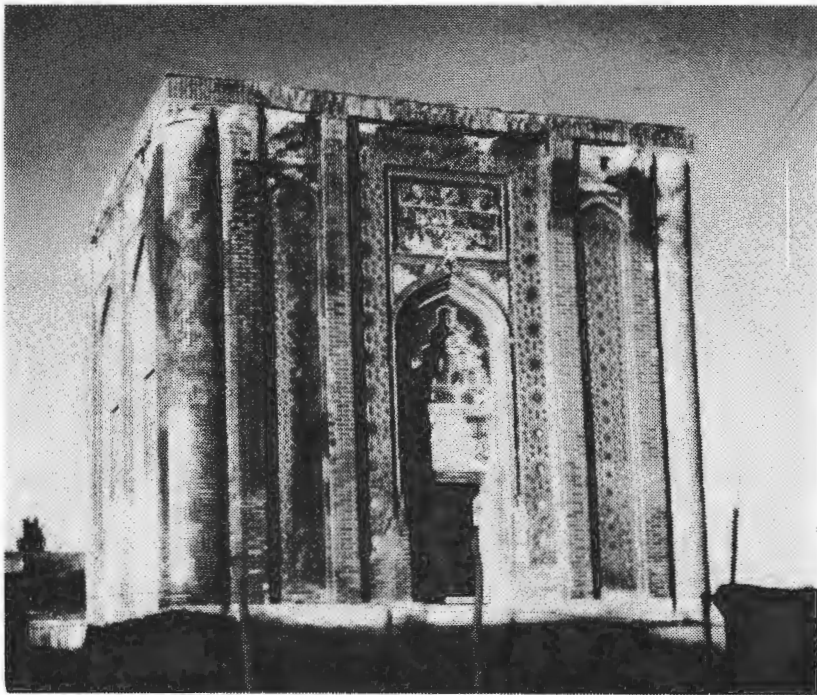
۳. نسبت این مقبره به مادر هلاکو واقعیت ندارد و این امر را دو دلیل محکم ثابت می‌کند یکی اینکه مادر هلاکو مسیحی بود و هلاکو هم که قبلاً بودائی بود بعداً به دین مسیح اظهار تمایل کرد و در زمان وی در اغلب شهرهای آذربایجان مذهب مسیحی رواج یافت و کلیساهای متعددی برپا گردید و معقول نیست که يك فرد مسیحی برای مادر خود مقبره‌ای اسلامی بسازد و بردرون و بیرون آن آیات قرآنی بنویسد. دیگر اینکه آقای گدار ایران شناس معروف در سال ۱۳۱۴ شمسی با جمع و جور کردن قطعات فرو ریخته کتیبه سر در اطاق فوقانی، تاریخ بنابر ۵۹۳ ه. ق، تشخیص داده است. در صورتیکه هلاکو شصت و سه سال بعد از این تاریخ مراغه

را مقرّ فرمانروائی خود ساخته است .

۴. گنبد غفاریه :

گنبد یا بُرج مقبره‌ای غفاریه در قسمت شمال غربی مراغه ، کنار رودخانه صافی واقع شده . بنائی است چهارپهلوی و مربع القاعده ، تقریباً شبیه گنبد سرخ ، که با آجر ساخته شده و مانند سایر مقابر بر روی ازاره سنگی و سردابی عمیق قرار گرفته است و در هر چهار گوشه آن نیم‌ستونهای از آجر زرد و قرمز تعبیه گردیده . سه پهلوی شرقی و غربی و جنوبی بنا هر کدام دارای دو طاقنمای نغولدار و پهلوی شمالی آن دارای يك طاقنمای مرکب از چهار ستون تزئین کاشی فیروزه‌ای رنگ بدیع و يك طاق سر در است که در بالای آن کتیبه ذیل بچشم می‌خورد : « اُمر بانشاء هذه القبة المباركة فی ایام مولانا السلطان الاعظم ظل الله فی الارض ، سلطان سلاطین العرب والعجم ، ابوسعید بهادر خان خلد الله ملکه ... » تزئین درونی اطاق فوقانی مقبره عبارت از سفید کاری و تعبیه دو طاقنمای مقرنس کوچک گچبری شده در هر يك از پهلوه‌ای شرقی و غربی و جنوبی و شاید نوشته‌ها و تزیینات دیگری در اطراف در ورودی و دور تا دور پاتاق داخلی بوده که اکنون از آنها فقط چند طاقنمای شکسته باقی مانده است . این مقبره را بنا به قرائن و اماراتی من جمله شکل دو چوگان پشت بهم کرده‌ای که در بالای طاقنمای دوضلع شرقی و غربی وجود دارد به شمس الدین قره سنقر چرکسی منصوری یکی از امرای زیر فرمان مماليك مصر نسبت می‌دهند . وی نخست امیر الامرء حلب بود . بعد بر ضد سلطان مصر ، الملك الناصر

برخاست و ناچار به فرار شد ، به ایلخان بزرگ اولجایتو پناه آورد ، ایلخان از او پذیرا شد ، مقدمش را گرامی داشت ، روز به روز بر منزلت او افزود ، تا حاکم مراغه - پایتخت پیشین دولت ایلخانی - نمود. اما هیچ مقام و منصب و هیچ دوستی و محبت متکی به سیاست ، قابل دوام و اطمینان نیست . در سال ۷۲۸ ه . ق ، سلطان ابوسعید او را به خاطر جلب خشنودی و دوستی الملك الناصر ، با دسیسه‌ای در خفا بقتل رسانید ، و ضمن ابلاغ خبر درگذشت وی به سلطان مصر ، امر نمود جنازه را در همان مقبره که شاید خود قره سنقر در حال حیات خویش ساخته بود دفن کنند .



برج یاگنبد غفاریه

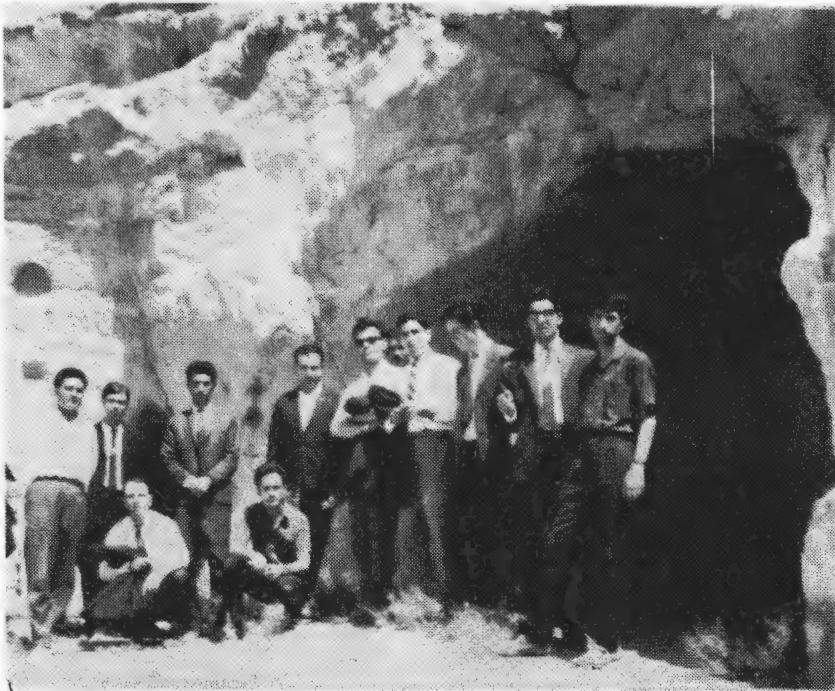
۵. رصدخانه مراغه :

خواجه نصیرالدین طوسی به امر هلاکو در سال ۶۴۸ ه. ق، روی یکی از تپه‌های شمال شرقی مراغه مشرف به جلگه منتهی به دریاچه ارومیه (رضائیه)، با همکاری عده‌ای از ستاره‌شناسان معروف، مانند قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی، فخرالدین محمد بن عبدالملک مراغی، محیی‌الدین یحیی بن محمد مغربی اندلسی به بنای رصدخانه آغاز کرد. رصدخانه پس از پانزده سال پایان رسید و به فرمان هلاکو کتب و اسباب و آلات علمی و نجومی بسیاری که از فتح بغداد بدست آمده بود در آنجا متمرکز گردید و زیج ایلخانی در این رصدخانه تدوین شد. (زیج یا قانون تنجیم، عبارت از طرح یا کتابی است که در جدولهای آن مدارها و مراکز و مواضع ستارگان اعم از اوج و حضیض بخوبی روشن شود).

بنای رصدخانه تا سال ۷۰۳ هجری آباد بود و در سال مزبور غازان خان به بازدید و تماشای آنجا رفت ولی بعدها به علت عدم علاقه حکام وقت و زلزله‌ها و حوادث دیگر رو به ویرانی نهاد، اکنون جز تل سنگ و خاک و آجر شکسته بر فراز تپه رصدخانه چیزی باقی نمانده است. در پائین همان تپه، اطاق غارگونه‌ای کنده شده که دارای یک پایه یاستون قطور، یک سکوی عریض و یک چاه کم عمق است. در ته این چاه از سوی جنوبی راهی به اطاق مستطیلی شکل و از دیواره جنوب غربی آن راهی به اطاق مربعی هست که طول هر ضلع آن قریب دو متر است. اضلاع این اطاق مربع یا به عبارت بهتر مکعب درست جهات شش‌گانه را نشان

می‌دهند و برخلاف تصور یک‌عده باستانشناس و جغرافی‌نگار، غاری نیست که جهت نگهداری علوفه حیوانات کنده شده باشد، بلکه به‌ظن قریب به یقین یکی از متفرعات رصدخانه بوده و جلگه دامنه‌دار وسیع روبه‌روی آن مؤید این مطلب می‌تواند باشد.

سه‌راه رصدخانه تقریباً در سه کیلومتری جاده «مراغه - تبریز» واقع شده، راهی تنگ و باریک است ولی اتومبیل‌های سواری براحت می‌توانند از آن عبور کنند، این راه به جلگه‌ای منتهی می‌شود، در سوی شرقی جلگه سه‌تپه بر روی هم قرار گرفته‌اند، یا به عبارت دیگر سه‌تپه



دهانه غار موجود در تپه رصدخانه مراغه

پله‌وار در منتهایلیه یکدیگر واقع شده‌اند، برای رسیدن به محل بنای رصدخانه باید باحوصله تمام این سه تپه را زیر پا نهاد و در بالای تپه سوم به تماشای آجر پاره‌های باقی مانده از بنای رصدخانه مراغه نائل شد.

۶. مسجد معزالدین :

در میدان خشکبار مراغه که سابقاً به میدان آرد فروشان معروف بود، مسجدی وجود دارد که مردم محل آن را مسجد «ملا عز دین» و خواص مسجد «شیخ معزالدین» گویند.

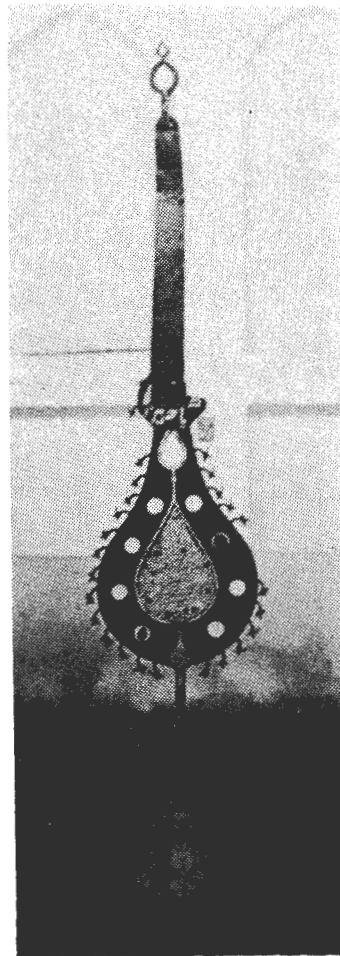
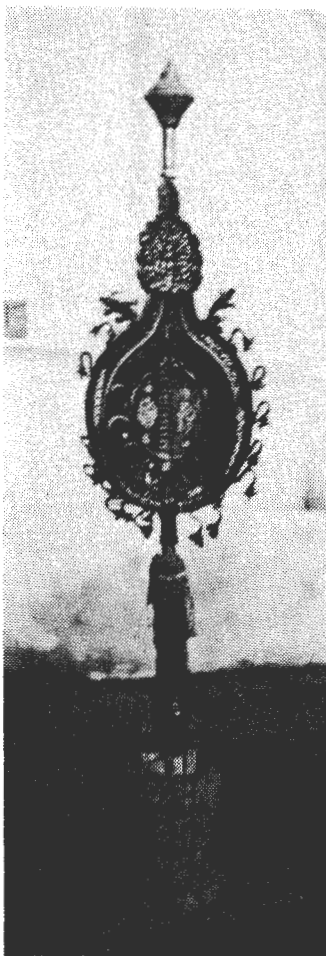
از این مسجد ومنضمات آن آنچه اکنون باقی مانده، عبارت است از يك حیاط با دو در بزرگ در دو سوی شرقی و غربی آن و يك مسجد بزرگ و يك مسجد كوچك در جانب شمالی حیاط و يك مقبره گنبد دار در پشت این دو مسجد. در سوی جنوبی حیاط نیز حجرات و حوضخانه‌ای بوده که اکنون به صورت تل خاکی درآمده است.

مسجدها هر دو در يك امتداد واقع شده و پنجره‌های آنها رو به جنوب است. در وسط این دو مسجد دهلیزی تعبیه شده که سقف کوتاهی دارد و در بالای آن اطاقی برای محافظ مسجد بنا گردیده است.

در ورودی مسجد بزرگ در جانب غربی و در مسجد كوچك در جانب شرقی دهلیز قرار گرفته است. مسجدها هر دو سقف و ستون چوبی دارند. تخته‌های پوشش سقف همه منقش به ترنج و گل و بوته، و ستونها دارای سر ستونهای زیبایی به شیوه صفوی‌اند.

مسجد كوچك در حدود ۲۲ متر طول، ۸ متر عرض، ۵ متر بلندی

و ۶ ستون چوبی - در يك ردیف - دارد . در وسط مسجد دو پایه سنگی خوشتراش کتل بیچشم می خورد، یکی مرمرین و دیگری خاراائی است . در جلو این مسجد ایوانی ساخته شده که قریب سه متر عرض، و



دو کتل موجود در مسجد کوچک معزالدين با پایه های سنگی . ک .

يك متر از كف حیاط بلندی دارد. در گوشه غربی این ایوان حوضچه مرمرینی افتاده که قطر داخلی آن ۷۵ سانتیمتر و عرض دیواره آن ۲۱ سانتیمتر است. بنا به روایت مجاور مسجد، این حوضچه به قنداب ایام سوکواری محرم اختصاص داشت.

در وسط دو پنجره مسجد کوچک از سوی بیرون، دو سنگنبشته نصب کرده‌اند. یکی به خط ثلث و به مضمون: «فی ایام خلافة السلطان الاعظم، خاقان الاکرم، ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان خلدالله ملکه و سلطانه» و دیگری به خط نستعلیق متضمن شعری درماده تاریخ درگذشت محمد مؤمن یکی از علمای شیعه مقیم مراغه به سال ۱۱۴۷ ه. ق.^۱

مسجد بزرگ ۳۴ متر طول، ۱۶ متر عرض و ۳۶ ستون چوبی دارد. این ستونها در چهار ردیف قرار گرفته‌اند. در ورودی مسجد در کرانه جنوبی دیوار شرقی قرار گرفته، و در کرانه شمالی همان دیوار قرینه‌ای دارد

۱. نوشته لوح قبر محمد مؤمن چنین است:

هوالعلام

محمد مؤمن آن پاکیزه طینت	لوای علم دین را بود زینت
چهدنیا بود فانی، مرغ روحش	گشاد از برج تن بال عزیمت
به سوی روضه رضوان روان شد	خمش شد شمع فانوس شریعت
خرد می‌جست تاریخش که ناگاه	زغیب آمد ندا کای راست فطرت
رقم زن سال تاریخ وفاتش	مقام وی که بد در صدر جیت

۱۱۷۴ ه. ق.

در حواشی لوحه دو بیت شعر عربی معروف منسوب به حضرت علی (ع) به خط ثلث درشت نقر گردیده است:

«وفدت علی‌الکریم بغیر زاد ... الخ».

که از آن وارد راه محوطه مقبره شیخ معزالدين می شود .



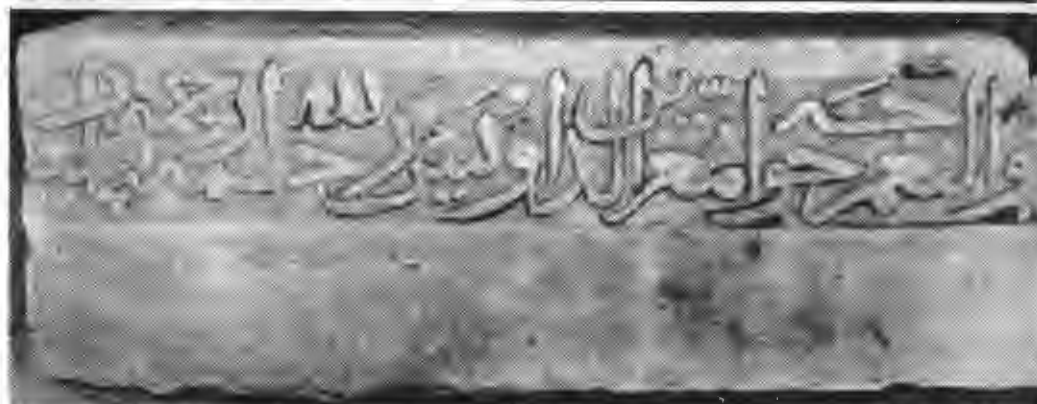
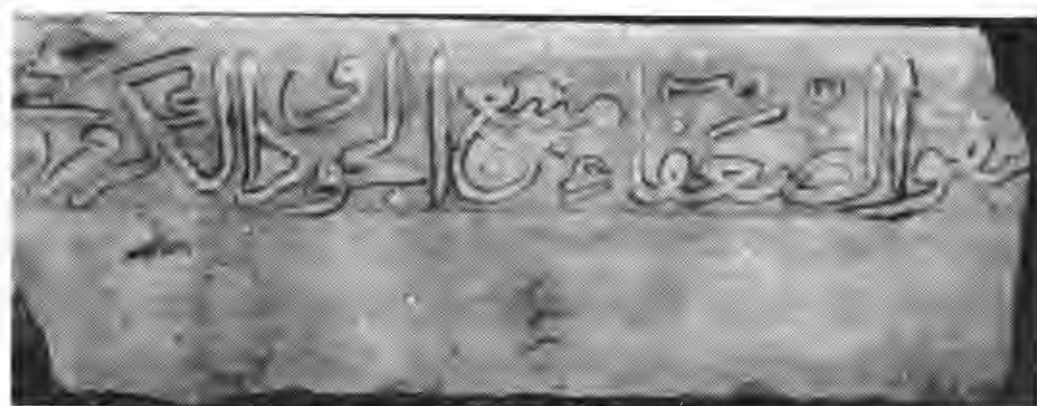
دو سنگنبشته منصوب به دیوار جنوبی مسجد کوچک معزالدين ك .

مقبره شیخ معزالدين ، برج گنبد داری است نظیر برج غفاریه،

منتهی در اثر رطوبت و عدم توجه و مراقبت، به مرور زمان گنبدهای آن
فرو ریخته و تزییناتش از میان رفته است .



مقبره شیخ معزالدين اويس







ك

شرح سنگنبشته‌های قبور شیخ معزالدین و بستگان وی :

✽ دو قطعه از سنگ قبر مرمرین شیخ معزالدین اویس بن رضی‌الدین ابراهیم که بر دیواره آنها عبارت « . . . مقوی الضعفاء ، منبع الجود و الكرم و ولی النعم خواجه معزالدین اویس رحمه الله رحمة واسعة » و در دیواره پائین پا عبارت « توفي فی عاشر رجب سنة خمس عشرة وثمانمائه » نقر گردیده است . از اینکه موقع کلیشه‌سازی کلمه «ولی» و «واسعة» اشتباهاً تغییر داده شده معذرت می‌خواهیم .

✽✽ این سنگ متعلق به قبر فرخنده سلطان نوه شیخ معزالدین اویس است که در حیات مدرسه شیخ معزالدین جلو مسجد بزرگ قرار گرفته . نوشته چهارطرف سنگ قبر چنین است : « هذه الروضة المغفورة المرحومة المخدرة الصالحة زين- المستورات نادرة الزمان فرخنده سلطان نورالله قبرها بنت الصاحب الاعظم الاكرم المرحوم خواجه جلال‌الدین ميرك‌العزى طاب‌الله‌ثراه ، توفت فی سابع عشرين رمضان ۹۱۳ » . بر روی سنگ قبر نیز عبارت « یا مونس کل وحید » نقر گردیده است .

✽✽✽ این سنگنبشته مرمرین متعلق به قبر خواجه جلال‌الدین ميرك پسر شیخ معزالدین اویس است که محل آن را تغییر داده و کنار حوضچه قنداب مرمرین مسجد معزالدین، در ایوان گذاشته‌اند، سه طرف آن را سنگ و خاک فرا گرفته و فقط دیواره جنوبی در بیرون مانده که عبارت: « الاكرم خواجه جلال‌الدین ميرك بن الصدر المغفور شیخ معزالدین » بر روی آن خوانده می‌شود .

✽✽✽✽ این چهار قطعه سنگ در اطراف سنگ بزرگ قبری نهاده شده بود که در جوار قبر شیخ معزالدین قرار داشت . در موقع خاکبرداری از مقبره شیخ معزالدین این سنگها را نیز درآورده و کنار قطعات شکسته سنگ قبر مزبور انباشته‌اند . عبارت ذیل بر روی آنها خوانده می‌شود : « المشهد المقدس حل به المرشد السالك الناسك قدوة العارفين ، زبدة الطالبين ، اسوة لواصلين ، زائر بیت... جعل الله الجنة مثواه ابن المغفور... توفي فی احدى وعشرين سنة خمس و اربعين وثمانمائه » ، ظاهراً دو قطعه دیگر از سنگهای اطراف قبر مزبور از بین رفته است .

اخیراً با همت اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی خالک برداری مرتبی در آنجا بعمل آمده و در عمق دو متری کتیبه شکسته قبر شیخ معزالدین پیدا شده است.

در محوطه مقبره و مسجدها سنگنبشته‌ها و الواح قبور متعددی وجود دارد که از لحاظ روشن ساختن تاریخ مراغه بسیار مهمند و اطلاعات ارزنده‌ای در اختیار علاقمندان به تحقیق در تاریخ و ادب و هنر مراغه در قرون هشت تا دوازده هجری می‌گذارند.^۱

۱. از این نوع سنگها، یکی سنگ سیاه بزرگی است که پایه غربی مدخل کفشکن مسجد معزالدین را نشان می‌دهد. دیگری سنگ قبر جلال‌الدین میرک پسر شیخ معزالدین است، سومی سنگ قبر مرمرین بسیار گرانهای فرخنده سلطان دختر جلال‌الدین میرک متوفاه در ۹۱۳ است. چهارمی لوحه قبر ملا احمد از علمای شیعه معاصر آقا محمد خان قاجار است که به بیرون دیوار جنوبی مسجد معزالدین نصب شده و طاق کوچکی برای آن تعبیه کرده‌اند، مضمون متن لوحه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

فاضل آفاق ملا احمد آنک	با قضا حکم وی آمد توأمان
آنکه با علم و عمل مانند او	حق شناسی کس ندیده در جهان
از رخس انوار یزدانی پدید	وز دلش اسرار ربانی عیان
می نگنجد هیچ کس را درخیال	می نیاید هیچ تن را درگمان
همچو او صافی ضمیری در زمین	همچو او قدسی سرشتی در زمان
آه کز بی مهری گردون دون	گشت رنجور وضعیف و ناتوان
از جهان قطع علایق کرد و شد	روح پاکش سوی علین روان
ای صد افسوس از چنان گنج علوم	کاین چنین از چشم عالم شدن نهان
رخت چون بر بست زین دار فنا	کرد جا چون در بهشت جاودان
بهر تاریخش رقم زد خاوری	رفت نور عالم احمد از جهان

آنچه از این سنگنبشته‌ها مستفاد می‌شود این است که از قرن هشتم به بعد شیخ رضی‌الدین ابراهیم عزیزی، شیخ معزالدین اویس بن ابراهیم و جلال‌الدین میرک بن شیخ معزالدین در مراغه صدارت و نفوذ سیاسی و معنوی داشته‌اند. شیخ رضی‌الدین ابراهیم بقتل رسیده ولی شیخ معزالدین و فرزندش به مرگ طبیعی درگذشته‌اند. جود و کرم و عالم‌نوازی و ادب پروری و همدوستی شیخ معزالدین بخوبی از مندرجات کتیبه‌ها روشن می‌شود. دوام نفوذ سیاسی و معنوی جانشینان وی را نیز تا ظهور صفویه، نوشته‌های الواح سنگی دیگر نشان می‌دهند. مقارن طلوع ستاره اقبال شاه اسمعیل صفوی است که می‌بینیم ستاره بخت این خاندان به افول می‌گراید و مقبره و منضعات آن رو به ویرانی می‌نهد.

اما در دوران سلطنت شاه طهماسب صفوی که از نو آramش و صفائی در محیط آذربایجان حکمفرما می‌شود، مرد شیعی ثروتمندی بنام حاجی

در حاشیه شرقی لوحه، رباعی ذیل :

چون عود نبود چوب بید آوردم روی سیه و موی سپید آوردم
فرمودی که ناامیدی کفر است بر قول تو رفتم و امید آوردم

و در کنار غربی آن این رباعی :

گر منفعلم ز جرم بسیار از تو نومید نیم ز هیچ کردار از تو
خواهی تو مرا بسوز خواهی بنواز من از تو و جنت از تو و نار از تو

در زیر رباعی اول عبارت « حرره عبدالعظیم » و در زیر رباعی دوم « عمل محمد تقی » با خط نستعلیق زیبای برجسته، و در باین لوحه عدد ۱۱۹۷ نفر گردیده است. همه صرعها و عبارات مندرج در این کتیبه در توی ترنجهای ساده قرار داده شده‌اند.

۱. معزالدین در دهم رجب ۸۱۵ ه. ق، درگذشته است.

نبی دامن همت به کمر می‌زند و بر روی ویرانه‌های مسجد شیخ معزالدین،
مسجد و مدرسه‌ای تازه می‌سازد. ماده تاریخ این بنا در کتیبهٔ مرمرینی^۱
که به دیوار شرقی دهلیز مسجد نصب گردیده قید شده است:

شیعهٔ شاه ولایت کمترین حاجی نبی
آنکه نبود در دلش جز مهر اولاد رسول
ساخت این بنیاد را بهر عبادت تاکنند
بهر طاعت شیعیان شاه دین در وی نزول
خیر او چون شد قبول حضرت حق بعد از این
سال تاریخش بجو از «خیر حاجی بد قبول»
۹۷۶ هـ. ق



ماده تاریخ تجدید بنای مسجد شیخ معزالدین بر روی طاق مرمرین در ورودی ک.

۱. این سنگنبشته طاق سر در مسجد بوده که در موقع تجدید بنا تغییر مکان یافته و بر دیوار کفشکن مسجد نصب گردیده است.

در سال ۱۳۷۲ ه. ق، نیز تعمیراتی در مسجد معزالدین بعمل آمده و ماده تاریخ آن در سنگنبشته‌ای است با خط نستعلیق درشت که به دست راست در ورودی مسجد یعنی دیوار شرقی نصب گردیده و متضمن این دو بیت است :

ز هجرت سیصد و هفتاد و دو چون بر هزار افزود

بماه یازدهم طالع فیروز شد مسعود

به تعمیرات این مسجد ز جان و دل شد آماده

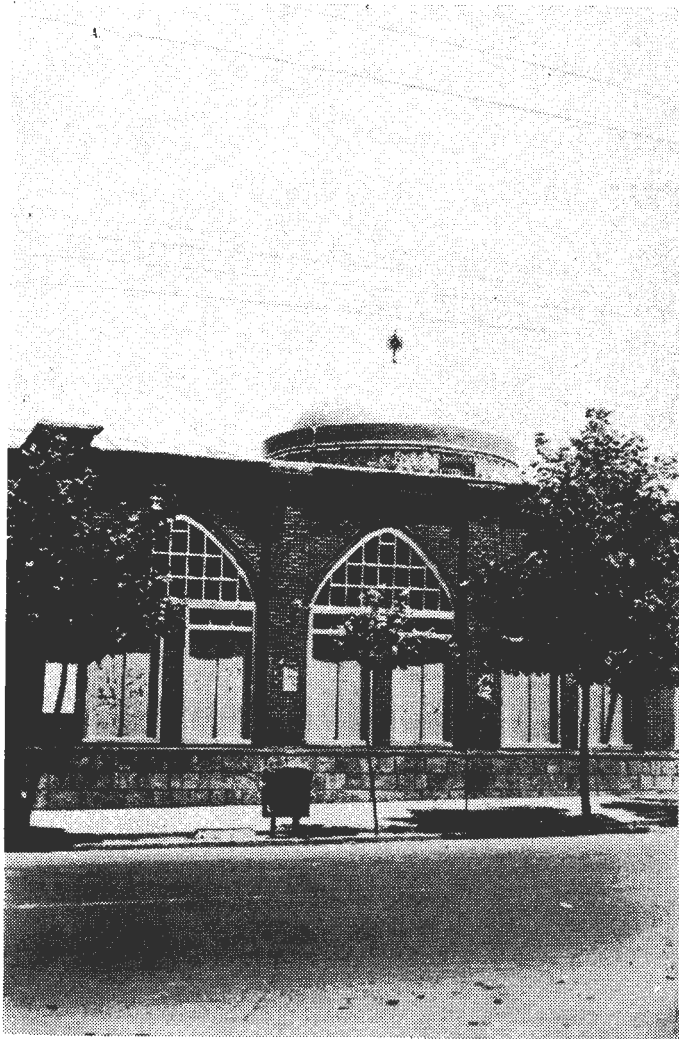
محمد باقر زهتابی و نجد و اسدزاده

۷. امامزاده عطاءالله :

مزار امامزاده عطاءالله در خیابان پهلوی مراغه واقع شده و منضمات آن مسجدی نوساز با شبستانی کهن و مدرسه‌ای جهت طلاب علوم دینی است. مدرسه و مسجد را به مناسبت واقع شدن در جوار امامزاده، به نام مسجد و مدرسه امامزاده می‌خوانند. این مسجد و شبستانش سابقاً هر دو سقف و ستونهای چوبی داشتند، ولی در سالهای اخیر تیرهای سقف و ستونهای مسجد را آهنی کرده‌اند اما شبستان همچنان با سقف و ستونهای منقش و زیبای نخستین باقی است و هریننده را بی‌اختیار به تحسین نجاران و نقاشان عهد صفوی این دیار وادار می‌سازد.

مزار امامزاده عطاءالله گنبد بلندی دارد که بیرون آن از کاشی سبز و دور پاتاقش از کاشیهای رنگارنگ پوشیده است، ولی درون گنبد هیچ‌گونه تزیینی ندارد و با گچ سفیدکاری شده است. روی قبر امامزاده

صندوق مشبکی نهاده‌اند و خود قبر را با کاشی‌های سبز رنگ مربعی تازه پوشانده‌اند. هیچ سنگنبشته و کتیبه‌ای نیز در داخل و خارج امامزاده



ك .

نمای جنوبی بنای امامزاده عطاءالله مراغه

بچشم نمی خورد، فقط در بالای زیارتنامه ای که بر دیوار مرز نصب کرده اند نوشته شده: « زیارتنامه شاهزاده اعظم عطاءالله بن موسی کاظم^۱ ». معلوم است حضرت امام موسی بن جعفر فرزندی به نام عطاءالله نداشته، شاید مدفون این قبر سیدی جلیل یا عالمی نبیل و دوستدار خاندان رسالت بوده که به شخص شخیص حضرت باب الحوائج امام موسی بن جعفر سلام الله علیه نسبت یافته است.

۸. زنجیرلی مسجد:

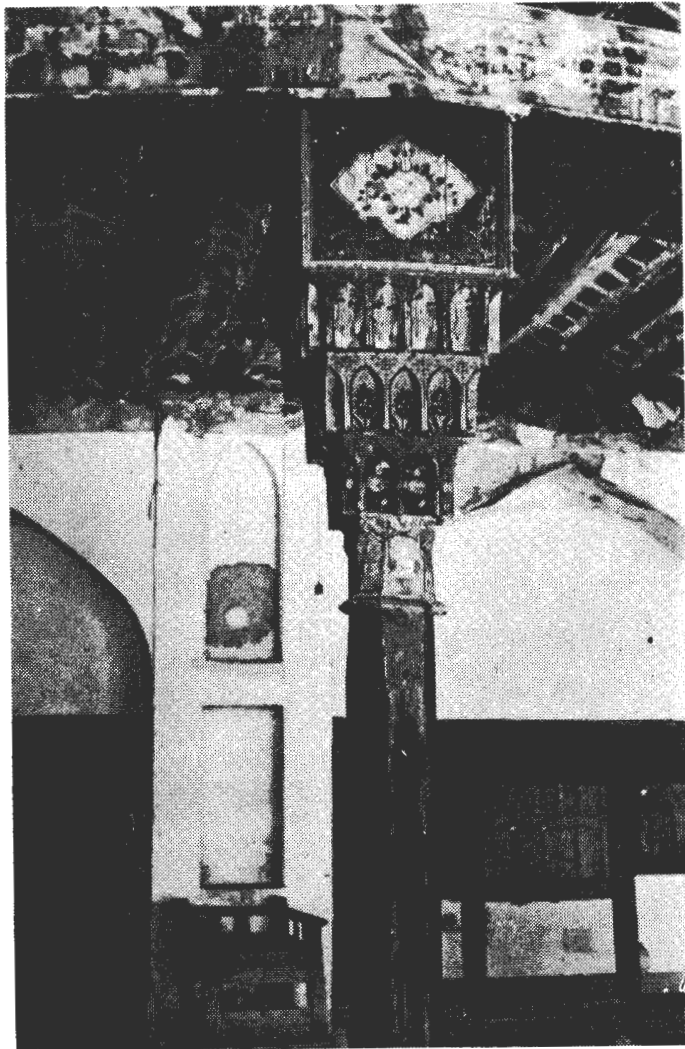
زنجیرلی مسجد، در پشت ساختمان جدید بانک ملی ایران شعبه مراغه، و در جنوب شرقی برج ده ضلعی مشهور به قبر مادر هلاکو، واقع شده است. سقف و ستون های چوبی با سر ستون های تزیینی منقش به سبک دوره صفوی داشته که اکنون سقف آن فرو ریخته و فقط عده ای از ستون های زیبا و پنجره های مشبك دل انگیز باقی مانده است. این مسجد نیز مثل سایر مساجد مهم مراغه دارای شبستان، حیاط و حوضخانه بوده که همه اکنون به صورت ویرانه ای در آمده اند.

۹. مسجد ملا رستم:

مسجد ملا رستم در خیابان اوحدی، میدان ملا رستم واقع شده است. مسجدی است آجری، دارای ۲۵/۵ متر طول و ۱۹/۵ متر عرض و ۳۵ ستون چوبی با سرستون های تزیینی منقش. شبستانی دارد روشن و

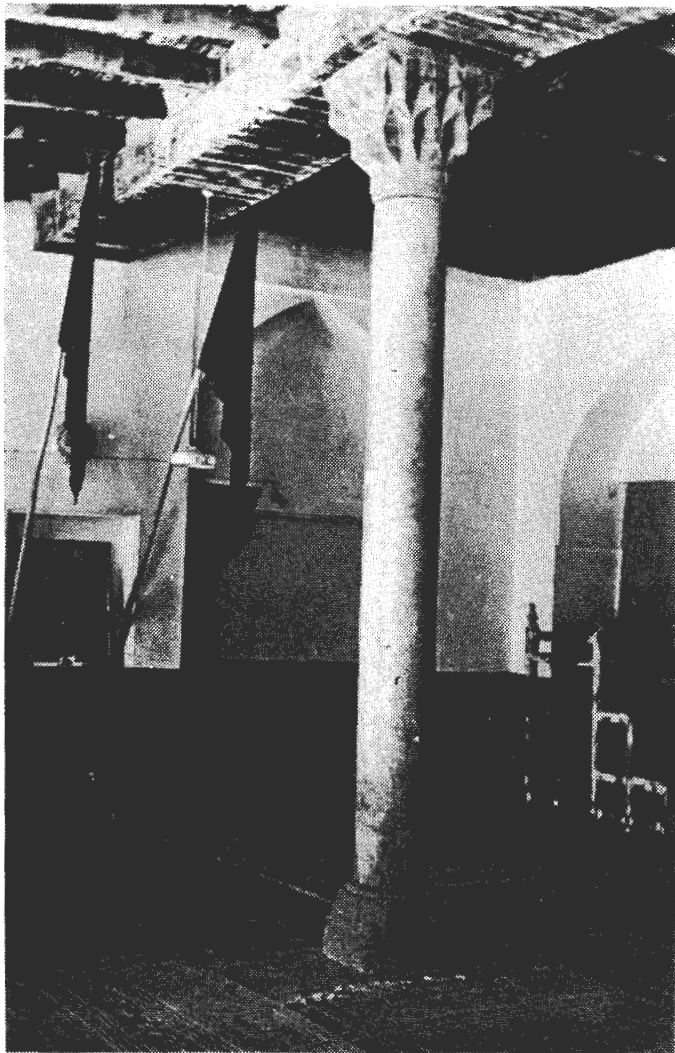
۲. در یکی از کتابهایی که اخیراً طبع و توزیع شده نام این امام زاده را باشتباه امامزاده حسن ذکر کرده اند که البته مورد و صحت ندارد.

دلگشا که طرح سرستونهای چوبی آن زیباتر از سرستونهای خود مسجد است. يك ستون مرمر يك پارچه نیز در شبستان برپاست که سرستون و



نمونه‌ای از ستونهای چوبی ایوان مسجد ملا رستم . ک

پایه‌ای از سنگ سیاه دارد. تصور می‌رود این ستون متعلق به دوره‌های پیشین یعنی ایلخانی یا سلجوقی بوده که هنگام بنای مسجد ملا رستم از آن



ستون مرمرین موجود در ایوان مسجد ملا رستم . ک .

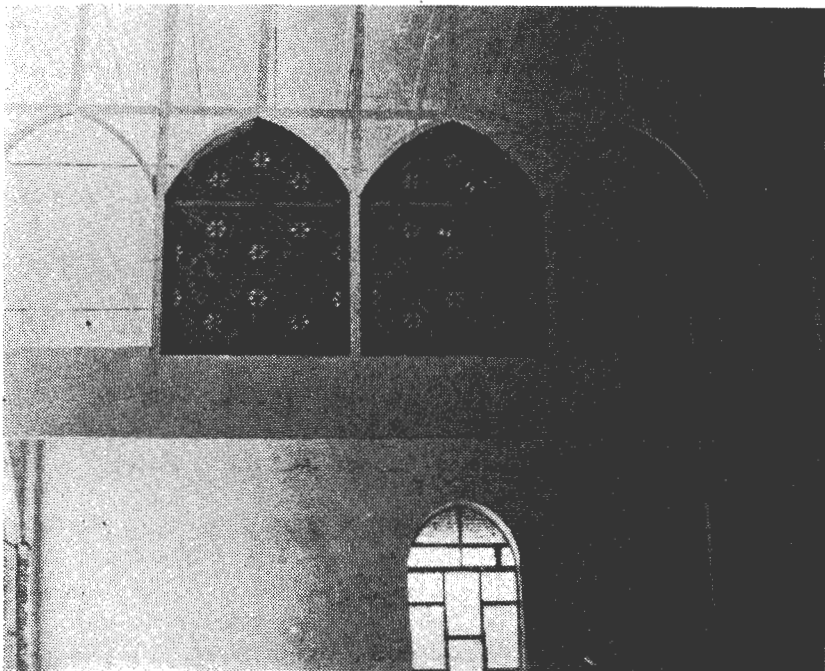
استفاده شده است. مسجد ملا رستم از ابنیه زیبای دوره صفوی و احتیاجی به تعمیر و مرمت فوری دارد. ظروف مسین آبدارخانه این مسجد نیز غالباً منقش و عتیقه و متعلق به صدها سال پیش است. مسجد شیخ تاج واقع در محله شیخ تاج نیز به سبک مسجد ملا رستم ساخته شده و گرچه تاریخ بنا ندارد ولی علاوه بر شیوه و مختصات بنای آن، در بین اهل محل نیز معروف است که همزمان با مسجد ملا رستم بوسیله شیخ تاج الدین نامی ساخته شده است.

۱۰. مسجد جامع :

- مسجد جامع مراغه در خیابان خواجه نصیر، روبروی بازار واقع شده است. حیاط آن دو در دارد. یکی به خیابان و دیگری به بازار سبزی فروشان باز می شود. حیاط مسجد آباد و دارای شاترده اطاق جهت سکونت طلاب علوم دینی است. مسجد در سمت جنوب حیاط قرار گرفته، ۲۸ متر طول، ۱۸/۵ متر عرض و ۳۵ ستون دارد. سقف و ستونهای آن همه چوبی و منقش است. شبستانی دارد که چایخانه و آبدارخانه ای در کنار آن تعبیه گردیده است. پنجره های شبستان به مسجد جامع باز می شود. مسجد متروکی نیز در جنب شبستان وجود دارد که در قطعه سنگی تاریخ بنای آن را ۱۰۲۴ ه. ق، نوشته اند. این نوشته تأیید می کند که مسجد جامع و منضعات آن همچنانکه از شیوه معماریشان نیز روشن است، در دوران صفویه بنا گردیده اند.

۱۱. مسجد آقا محمد تقی :

در جانب غربی خیابان خواجه نصیر، نزدیک بازار، مسجد با عظمت
نوساختی وجود دارد که مسجد آقا محمد تقی نامیده می شود. بنای نخستین
این مسجد ظاهراً در اوایل قاجاریه صورت گرفته و بعثت فرو ریختگی در
دو سال اخیر تجدید بنا یافته است. چهار قطعه از پنجره های قدیم این
مسجد را که از نمونه های عالی مشبك سازی اوایل قاجاریه بشمار می رود
در قسمت فوقانی پنجره فلزی موجود بین نمازگاه و تالار سخنرانی جا
داده اند الحق به چهار گوهر گرانبها می مانند که به عنوان نكین در چهار



دو قطعه از پنجره های مشبك عالی مسجد آقا محمد تقی مراغه

حلقه انگشتی جا داده باشند. این چهار قطعه پنجره به اندازه ای ظریف و خوش طرح و زیبا هستند که بمحض ورود به مسجد، نظر هر بیننده را بخود جلب می کنند، و جا دارد که هنرمندان و هنردوستان تنهابخاطر تماشای این چهار قطعه مشبك، دست كم يك روز به مراغه مسافرت كنند و مرتبه بلند هنر و ظرافت كار و حوصله سرشار صنعتگران ایرانی را از نزدیک ببینند.

بنای جدید مسجد آقا محمد تقی از يك نمازگاه بزرگ، و يك تالار سخنرانی مفصل، يك وضوگاه و يك كفشكن تشكيل یافته است. در تزیین درون مسجد از مرمر و کاشی استفاده کرده اند، گرچه تمام تزیینات معموله به اندازه شاید هزار يك این چهار قطعه پنجره از لحاظ هنر ارزش نداشته باشد، ولی مسجد بحدی زیبا و دلگشا است که نظیر آن در هیچ يك از شهرهای آذربایجان شرقی به نظر نگارنده نرسیده است. محراب جالبی نیز برای مسجد تعبیه کرده اند که حواشی آن با آیه شریفه ۳۵ از سوره نور^۱ تزیین یافته است ..

۱۲. مسجد شیخ بابا :

از مساجد باستانی مراغه یکی نیز مسجد شیخ بابا است. این مسجد که چندی پیش در اثر برف و باران و عدم توجه اهل محل فرو ریخته بود، اکنون که واقعاً تحول بزرگی در عمران و آبادی مراغه بعمل آمده، این مسجد نیز نوسازی و آباد گردیده است. آنچه از دوران پیشین بنای

۱. «الله نور السموات والارض، مثل نوره كمشكوة فيها مصباح، ... الخ»

آن بجا مانده عبارت است از :

الف . يك ستون سنگی استوانه‌ای متشكل از بيست طبقه سنگ،



ستون نوشته شده به سال ۸۶۴ هـ . ق ، موجود در مسجد شیخ بابا . ك .

رویهم به ارتفاع پنج متر که محیط آن ۱۸۶ سانتیمتر است . شصت سانتیمتر از پائین ستون صاف و بدون نوشته است ، و بالای آن در حدود ۱۶۰ سانتیمتر نوشته‌ای به خط زیبای ثلث دارد متضمن نام سلسله مشایخ مراد بانی مسجد . بانی مسجد فتح‌الله بن حاجی خلیل‌الله بن عبیدالله مرید با واسطه کمال‌الدین شیخ باباست . مسجد را در سال ۸۶۴ ه . ق ، به نام شیخ بابا بنا کرده و در این سنگ نام مشایخ و مرادهای شیخ بابا و خود بانی ذکر گردیده و به ترتیب از حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع) آغاز شده و به نام شیخ ابراهیم ختم گردیده است^۱ . نویسنده خط ستون جلال‌الدین و حجار آن علی نام داشته است .

ب . دو قطعه سنگ قبر مرمرین بلند حجاری شده در دو سوی محراب مسجد نصب گردیده که هر دو کتیبه و نقشهائی دارند . یکی متعلق

۱ . پاره‌ای از نوشته‌های ستون هنگام تجدید بنا و تعمیر مسجد فرو ریخته و آنچه خوانده می‌شود چنین است : « ... فی متابعة الانبیاء و الاولیاء ، سیدنا کمال الدین و مولانا فخر الملة والدین شیخ بابا . هذه سلسلة المشایخ رحمهم الله... حضرت رسالت علیه السلام ، امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه ، شیخ حبیب بصری عجمی ، شیخ داود طائی ، شیخ معروف کرخی ، شیخ سری سقطی ، شیخ جنید بغدادی ، شیخ شمس‌الدین دینوری ، شیخ احمد قاضی دینوری ، قاضی امام احمد بن محمد... شیخ ابی‌النجیب عبدالقاهر سهروردی ، شیخ قطب‌الدین احمد ابهری ، شیخ رکن‌الدین محمد سجاسی ، شیخ شهاب‌الدین محمود تبریزی ، سید جمال‌الدین ، شیخ ابراهیم زاهد الجلی ، شیخ بابا ، شیخ مصطفی ، شیخ یعقوب ، شیخ . . . شیخ ابراهیم . امر بعمارة هذا المسجد المباركة فتح‌الله بن حاجی خلیل‌الله بن عبیدالله التائبی فی تاریخ سنة اربع وستین وثمانمائه . عمل علی حجار ، کتبه جلال‌الدین ، شیخ مجاهد ، شیخ بایزید ، شیخ شهاب‌الدین . »

به قبر شیخ گلایی است و دیگری متعلق به یکی از امرا یا پهلوانان، متأسفانه تاریخ فوت صاحبان هر دو قبر که حتماً بر دو سنگ منقور بوده در زیر بنا مانده است.

کتیبه قبری نیز به دیوار غربی مسجد نصب شده که تازه و صاحب آن در ۱۳۰۶ ه. ق، در گذشته است.

ج. در بیرون مسجد، روی دیوار شمالی راهرو روباز مدخل آن، هم دو سنگنبشته زیبا نصب گردیده، هر دو خط ثلث دارند. یکی وارونه



دو قطعه سنگنبشته نصب شده به دیوار راهرو مدخل مسجد شیخ بابا . ك

و متضمن آیه‌ای با تزیینی از اسلیمی اژدری، دیگری راست و متضمن این حدیث است: « اِذَا تَحْيَرْتُمْ فِي الْأُمُورِ فَاسْتَعِينُوا مِنْ أَهْلِ الْقُبُورِ »..

مسجد شیخ بابا مثل سایر مساجد بزرگ مراغه شبستان، مدرسه و حیاطی داشته و عده‌ای از بزرگان علم و عرفان در آن مدفون بوده‌اند. این مسجد در قسمت شمالی خیابان خواجه نصیر واقع شده است.

۱۳. مقبرهٔ اوحدی مراغی:

مقبرهٔ رکن الدین ابوالحسن مراغی مشتهر به اصفهانی عارف و شاعر پارسیگوی نامدار صاحب مثنوی معروف « جام جم »^۱ در میان باغ سرسبزی، در کوچهٔ سبزی چی‌ها، در خیابان ۲۵ شهریور مراغه، واقع شده‌است. صندوق سنگی قبر وی که سه پله بالاتر از کف باغ قرار گرفته، از سنگ کبود معمولی تهیه شده و بر بالای دیواره‌های شمالی و جنوبی آن عبارت: « هَذَا قَبْرُ الْمَوْلَى الْمُعَظَّمِ، قُدْوَةِ الْعُلَمَاءِ، أَفْصَحِ الْكَلَامِ، زُبْدَةِ الْأَنَامِ، الدَّارِجِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى، أَوْحَدِ الْمَلَةِ وَالِدِينَ ابِوَالْحَسَنِ أَصْفَهَانِي، فِي مُنْتَصَفِ شَعْبَانَ سَنَةِ ثَمَانٍ وَثَلَاثِينَ وَ سَبْعِمِئَةٍ » نقر گردیده است.

۱. اوحدی مثنوی جام جم را که پنجهزار بیت دارد به اسلوب حدیقهٔ سنائی، به نام سلطان ابوسعید بهادرخان ساخته‌است. علاوه بر این وی دیوانی دارد مشتمل بر پانزده هزار بیت از قصاید و غزلیات و قطعات و ترجیعات شیرین و دل انگیز. مثنوی دیگری هم به نام « ده نامه » به رشتهٔ نظم درآورده و به خواجه ضیاءالدین یوسف بن خواجه اصیل‌الدین بن خواجه نصیرالدین طوسی تقدیم نموده است. این مثنوی قریب به هزار بیت دارد.

این باغ اکنون متعلق به فرقه‌ای از اهل حق مراغه‌است^۱. و اخیراً



قبر اوحدی مراغی

ك .

۱. برای استحضار از معتقدات اهل حق رجوع فرمائید به پاورقی صفحات ۴۰-۴۳ کتاب تاریخ تبریز پروفیسور مینورسکی .

در جوار شرقی قبر اوحدی مقبره‌ای جهت پیر خود بنا کرده‌اند .

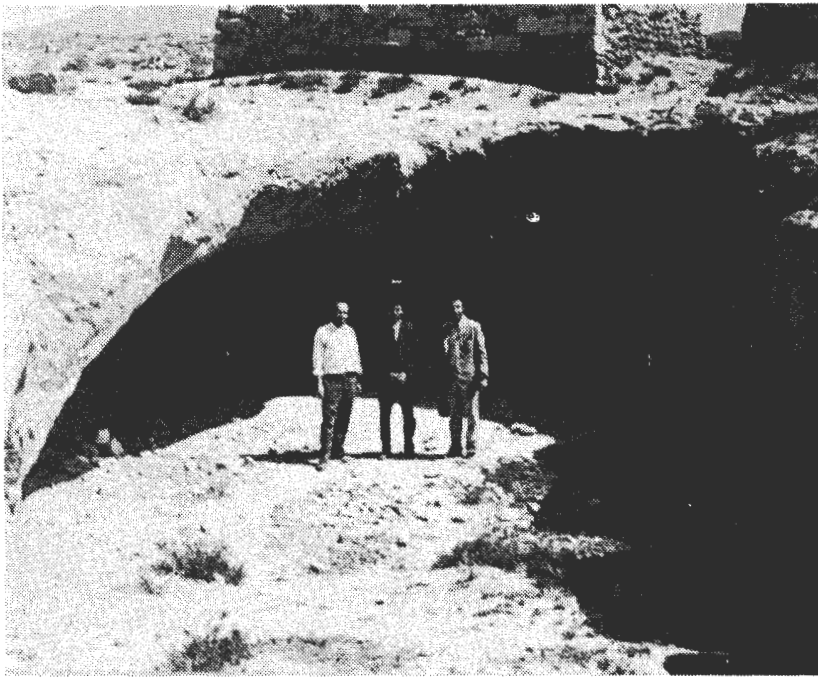
۱۴. مقبره امامزاده معصوم :

این امامزاده در گورستان تاریخی ورجوی واقع شده‌است. ورجوی دیه‌ای است در شش کیلومتری جنوب شرقی مراغه که باغهای آن به باغهای مراغه متصل است . این آبادی ، نخستین دیه‌ای است که به امر شاهنشاه آریامهر محمد رضا شاه پهلوی از مالک خریداری و بین رعایا تقسیم و قبالة آنها به دست شخص شاهنشاه به روستائیان مرحمت شد . در این قریه بود که رژیم ارباب و رعیتی و خرید و فروش دسته‌جمعی بردگانی به نام روستائی و دهقان و دهانی، عملا الفاء گردید و در همین قریه به سال ۱۳۴۲ شاهنشاه با شرکت در جشن عروسی یک روستائی ساده، اختلاف طبقاتی قرون وسطائی را از میان برداشت . مقبره امامزاده معصوم غاری است به سبک غارهای میترائی ، مدخل آن قریب ده متر عرض دارد، وارد غاری مدور می‌شود به قطر قریب هشت متر، در دور تا دور کمر این غار عده‌ای از آیات قرآنی به خط ثلث درشت بطور برجسته حجاری شده است ولی قسمت اعظم آنها فرو ریخته و از آنچه باقی مانده نمونه وار از آیه شریفه ۱۲۹ از سوره آل عمران می‌توان نام برد .

در گوشه شمال غربی و شمال شرقی و جنوب شرقی غار یا اطاق زیرزمینی مرکزی، اطاقهایی از سنگ کنده شده که همه به اطاق مرکزی راه دارند . در شمال اطاق مرکزی نیز اطاق زیرزمینی مدوری به شکل قیف وارونه تعبیه شده که دور تا دور پاطاق آن باملاطی از گچ و شن و گرد

سنگ، مقرنس کاری شده است. در وسط این اطاق صندوق چوبی ساده‌ای نهاده و بر روی آن پارچه سیاهی انداخته‌اند و زیر آن قبری وجود دارد که اهل محل آن را قبر امامزاده معصوم می‌نامند و از راههای دور بانذور فراوان به زیارت آن می‌آیند.

قسمتی از سقف سنگی این غارها فرو ریخته و بجای آن با چوب یا گنبد آجری پوشانده شده‌اند.



آقایان دکتر یوسف هدایتی، تیمور میرابی و حسین دلال بدر در جلو مدخل غار امامزاده معصوم ورجوی

ک.

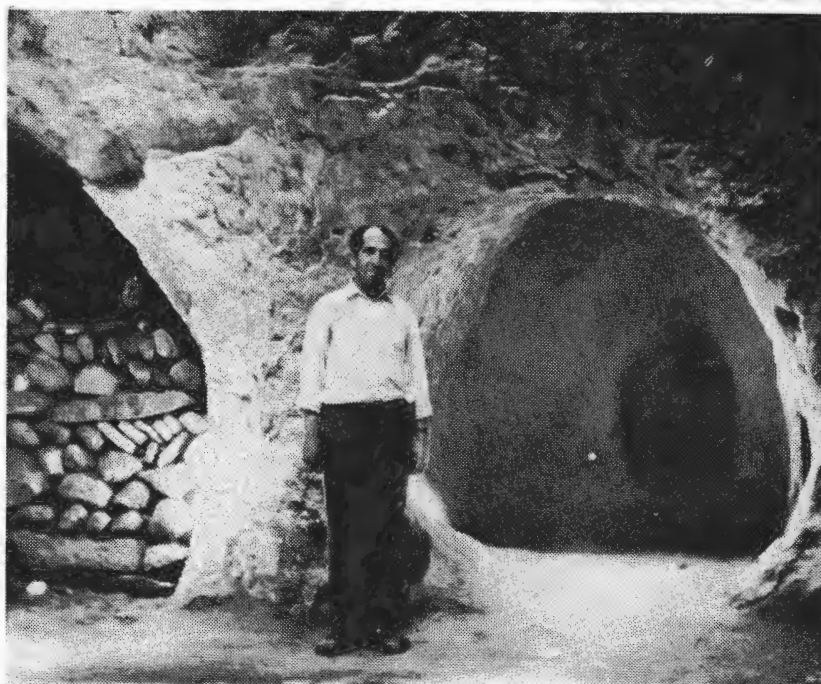
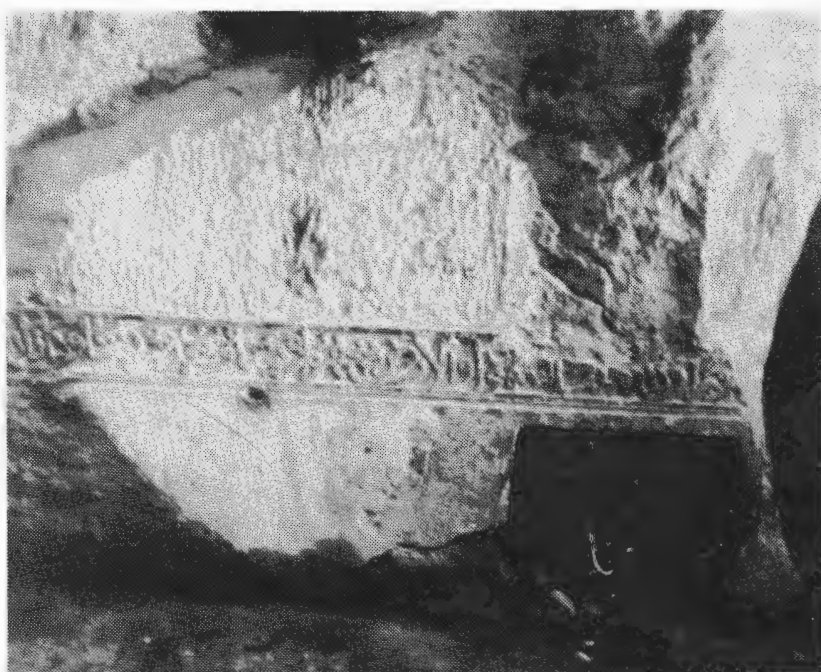
سقف امامزاده معصوم از همه مرتب‌تر و دارای گنبد آجری است.

قبرستانی که این غار در آن تعبیه شده پراست از قبوری که بر روی آنها یا

صندوقهای سنگی منقش و منقور وجود دارد و یا قوچ سنگی نهاده شده است. بر روی عده‌ای از سنگ قبرها تصاویر تیر و کمان و نیزه و شمشیر و سپر نقر گردیده است؛ تاریخ این گونه سنگها بین قرن هشت تا یازده هجری است. از نمونه‌های جالب این گونه سنگها می‌توان به صندوق سنگی منقش قبر «زمان بیگ فرزند کد خدا میرزای بیگ متوفی در ۱۰۸۵ ه. ق» اشاره کرد. اما درباره خود غار و حجاری و نقش آن به نظر می‌رسد غار متعلق به دوره پارتی باشد که در قرن ۷ یا ۸ یعنی دوره ایلخانی بصورت نمازگاه و مقبره درآمده است.



پوشش منافذ غارها و گنبد امامزاده معصوم در گورستان ورجوی ک.

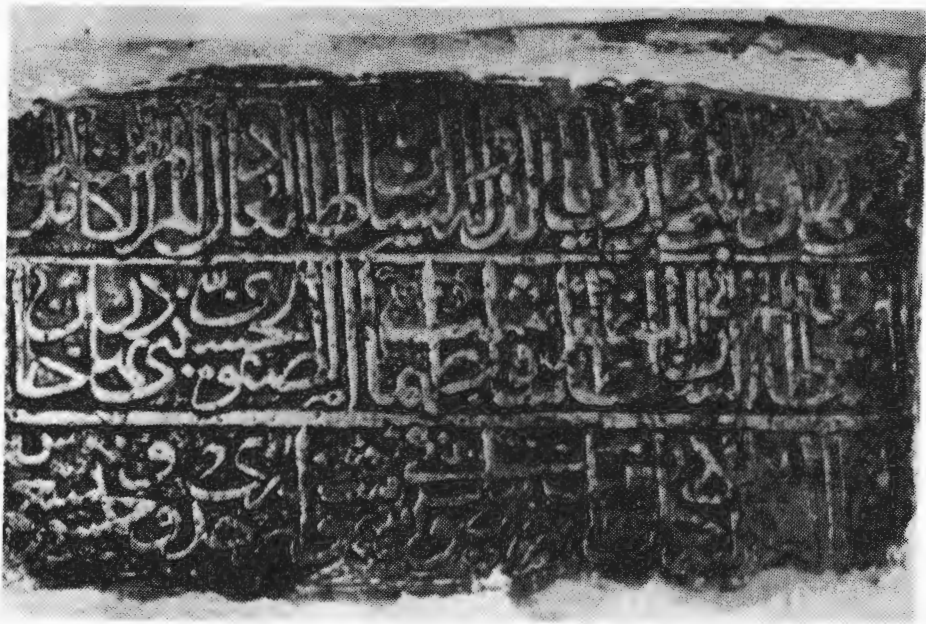


ك .

دبوارهای شرقی و غربی درون غار مرکزی ورجوی

بناب :

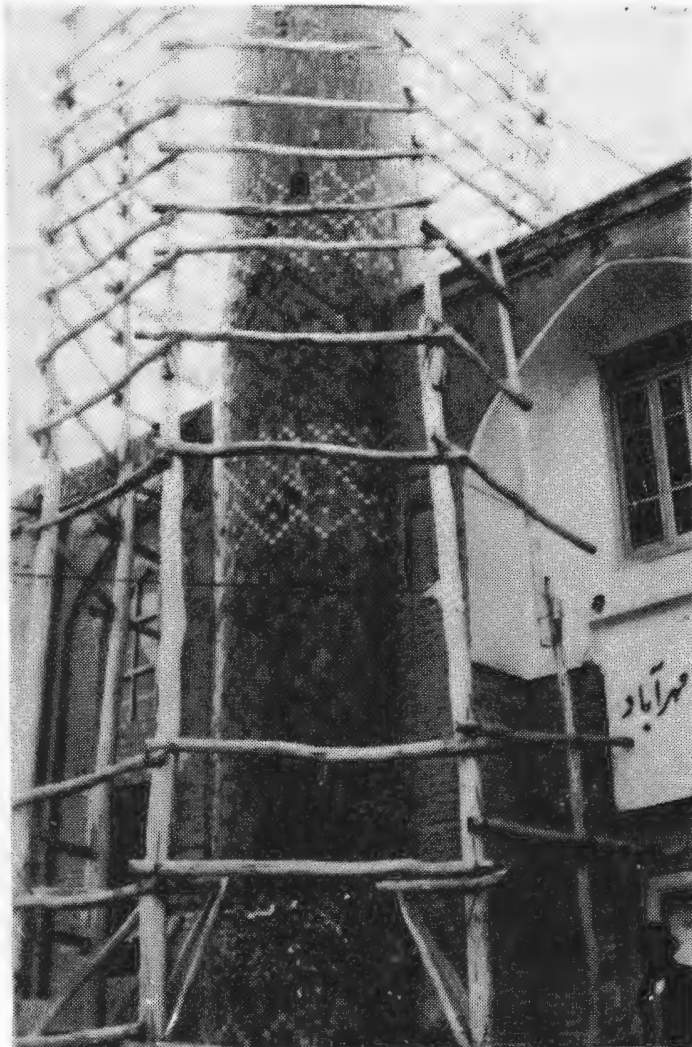
بناب شهرکی است در ۱۶ کیلومتری جنوب غربی مراغه، تقریباً با بیست هزار جمعیت و آب و نعمت فراوان. نام آن در کتب مسالك و ممالك قدیم نیامده، و حوادث تاریخی قابل ذکرى هم که در آن حوالی به وقوع پیوسته در تاریخ معمولاً با عبارت « در نزدیکیهای مراغه » ذکر گردیده است. اما چند بنای باقیمانده از قرن دهم هجری نشان می‌دهد که این آبادی دست‌کم از پنج قرن پیش صورت شهرک قابل توجهی داشته و مردم ثروتمند و با نفوذی که بتوانند چنان بناهایی برپا کنند، در آن می‌زیسته‌اند. از بناهای قدیمی بناب، دو مسجد درخور ذکر است، مسجد مهرآباد و مسجد گز اوشت.



کتابخانه تاریخ بنای مسجد مهرآباد بناب

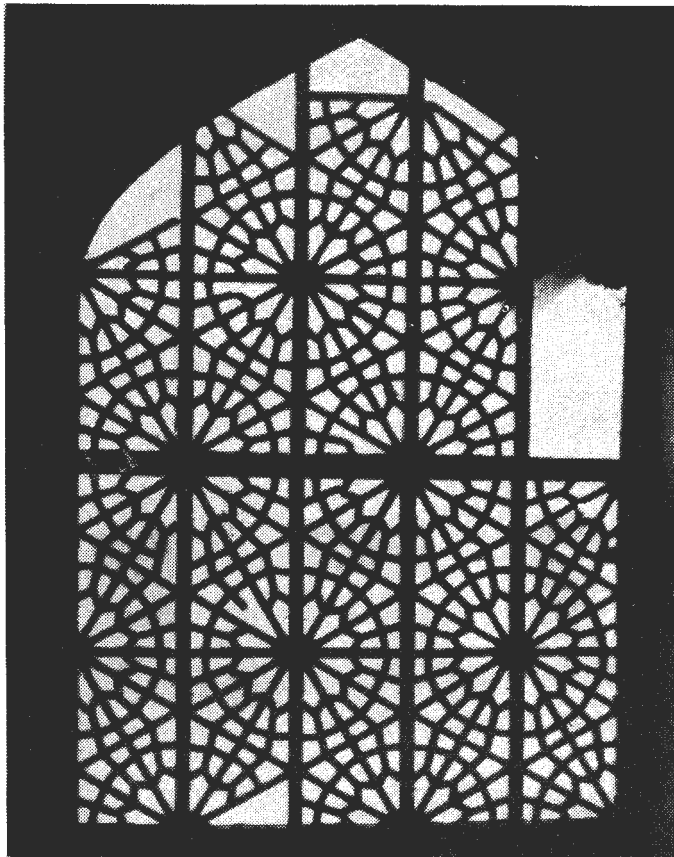
۱۵. مسجد مهرآباد :

این مسجد در میدان مهرآباد بناب واقع شده ، و مناره بلند آن



مناره مسجد مهرآباد بناب

نظر هر تازره وارد به بناب را به خود جلب می‌کند. دیوارهای مسجد آجری و سقف آن چوبی است ، ۳۶ ستون چوبی با سر ستونهای تزئینی منقش دارد . بیست ستون سقف مسجد و شانزده ستون ایوان دو طرف مسجد را نگه می‌دارند. عده‌ای از پنجره‌های مسجد مشبك و قدیمی است اما پنجره‌هایی که به خیابان و میدان مهر آباد باز می‌شوند همه در سالهای اخیر تعویض



نمونه‌ای از پنجره‌های مشبك مسجد مهر آباد بناب پارس بناب

شده‌اند. این مسجد در ۹۵۱ ه. ق، به هزینه بی بی جان خانم دختر منصور بیگک بنا شده، و کتیبه مرمرین تاریخ بنای مسجد در گوشه‌ای از دیوار شمالی آن نصب گردیده است. کتیبه به خط ثلث درشت و نوشته آن چنین است: « بنی هذا المسجد المبارك فی ایام الدولة السلطان العادل والمرشد الکامل، السلطان بن السلطان، ابی المظفر شاه طهماسب الصفوی الحسینی بهادرخان باشارة العالیة بیبی جان خانم بنت منصور بیگک فی شهر سنة احدى وخمسين وتسعمائه. »

بیرون مناره مسجد با کاشی پوشانده شده بود، اکنون قسمتی از آنها فرو ریخته و از طرف اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی و سازمان ملی حفاظت آثار باستانی در دست تعمیر است. مدرسه‌ای نیز در جنب مسجد بنا شده بود که اکنون چند تن از طلاب در آن مشغول فرا-گرفتن مقدمات علوم دینی هستند.

۱۶. مسجد گز اوشت :

این مسجد در میدان گز اوشت^۱ بنا شده، دیوارهای آن گلی و بلند، و سقف آن چوبی و منقش است. هجده ستون چوبی با سرستونهای تزیینی دارد که شش تای آنها زیر ایوان مسجد قرار گرفته‌اند. این مسجد کتیبه و تاریخ بنا ندارد، ولی طرح و سبک آن عیناً نظیر مسجد مهر آباد است و تصور می‌رود بنای هر دو در یک زمان صورت گرفته است.

در حیاط مسجد گز اوشت نیز حجراتی جهت سکونت طلاب علوم دینی تعبیه شده است.

ملحقات :

۱. اکثر مطالبی که در کتب تاریخ و جغرافیای قدیم راجع به مراغه نوشته شده تقریباً بصورت کامل یا خلاصه به فارسی درآمده و آشنایان بدین زبان از مفاد و مضمون آنها استفاده کرده‌اند. اما ترجمه نوشته زکریا بن محمد بن محمود قزوینی^۱ در کتاب «آثار البلاد و اخبار العباد» تاکنون در جائی به نظر نگارنده نرسیده و چون نوشته مزبور نیز متضمن نکاتی در خور مطالعه و جالب است لذا ترجمه آن زیلا آورده می‌شود :

« مراغه مرکز آذربایجان و یکی از شهرهای بزرگ و مشهور است. جمعیت زیاد دارد. آبش فراوان، درختانش بیشمار و میوه‌هایش بسیار است. شهری است مهم با آثاری کهن از آتش پرستان، و مدارس و خانقاههای متعدد و زیبا^۲.

یکی از اهل مراغه می‌گفت : در مراغه باغی هست معروف به

۱. وی در قزوین متولد شد، در جوانی به دمشق رفت، به قضاء واسط و حله رسید. در سال ۶۸۲ ق، در واسط درگذشت و جنازه او را به بغداد حمل و در شونیزیه دفن کردند. هنگام مرگ هشتاد سال داشت. شرح حال مفصل وی در مقدمه کتاب «آثار البلاد و اخبار العباد» چاپ بیروت ۱۹۶۰ م آمده است. تألیف مشهور دیگر وی «عجائب المخلوقات» است که چاپ شده و در دسترس همه قرار گرفته است.

۲. یاقوت حموی نیز بدین معنی اشاره می‌کند و می‌نویسد : « مراغه مرکز آذربایجان است. کاخها و مدارس و خانقاههای زیبائی دارد و ادباء و شعراء و محدثان و فقهای زیادی در آنها بسر می‌برند. » ص ۹۷، ج ۱۷، معجم البلدان، بیروت ۱۹۵۵ م.

قیامت آباد، بوسعت يك فرسنگ در يك فرسنگ، صاحبان باغ از کثرت محصول، به گردآوری آنها قادر نیستند و ناچار میوه‌ها بر روی زمین پخش می‌شوند. در نزدیکی قیامت آباد چاهی هست که آب گرم از آن فوران می‌کند، بیماران بدانجا می‌آیند، در آب استحمام می‌کنند و بهبود می‌یابند. اکثر مراجعه‌کنندگان بدین چشمه‌ها مبتلایان به جرب و زمینگیرانند. آبی که از چاه بیرون می‌ریزد و در روی زمین جاری می‌شود به سنگ سختی مبدل می‌گردد. در خارج شهر غاری هست که تا انسان داخل آن می‌شود، خانه‌ها و غرفه‌ها می‌بیند، اما با اندک دقتی درمی‌یابد که چیزی صلیب گونه است و اگر کسی بدان نزدیک شود فوراً از پای درمی‌آید. تصور می‌رود آن طلسم گنجی باشد، خدا دانایتر است.

کوه زنجگان در نزدیکی مراغه قرار گرفته و آبی گوارا دارد. آردی که با آن خمیر می‌شود، بهره زیاد می‌دهد و نان خوبی بدست می‌آید. نانوایان آردهای خود را با آن خمیر می‌کنند، این آب نیز در خارج منعقد و به سنگ و صخره مبدل می‌گردد و مردم در ساختمانهای خود از آنها استفاده می‌کنند.

قاضی صدرالدین از مفاخر مراغه است و به جود و کرم و خیرات و مبرات شهرت دارد. از آثار نیک وی یکی باره شهر قزوین است که بزرگترین شاه زمان ما از بنای نظیر آن فرو ماند. شهر بغایت وسیع است، دروازه‌های بلند آن و کنگره باره را از آجر و بقیه را از گل ساخت. گویند قاضی خواست در نزدیکی قبر رسول خدا، آرامگاهی برای خود

بدست آورد. کس نزد امیر مدینه فرستاد و نظر خود را اعلام داشت. امیر شرط کرد که انبانی زر بفرستد. قاضی پیام داد انبان بفرست تا از زر پُر کنم. امیر مدینه بادیدن این همت و سعه صدر از او، گوش بزرگاله‌ای فرستاد و آرامگاهی برای وی معین کرد. قاضی چون درگذشت او را در مدینه، در پائین پای رسول اکرم - که درود و سلام خدا بر او باد - به خاک سپردند. شیخ نورالدین محمد بن خالد جیلی، عارف و صوفی معروف، در کتابی که درباره کرامات و عجایب حالات قاضی گرد آورده، گوید: «گروه بیشماری از ملائکه را به خواب دیدم با تحف و هدایائی بسیار، پرسیدم اینها برای کیست؟ گفتند از آن قاضی مراغه. گفتم او خود اهل اکرام بود! گفتند این بخاطر کرامتی است که با رسول خدا کرد، که درود و سلام خدا بر او باد.»^۱

۲. کسانی که آثار باستانی معروف مراغه را دیده یا در امر شناسائی آن آثار، تفرغ کرده‌اند، حتماً با این سؤال رو به رو شده‌اند که چرا بُرجی که در زمان سلطان ابو سعید بهادر خان برای شمس الدین قره سنقر ساخته شده به بُرج غفاریه شهرت یافته است ...؟ بنده هم با این سؤال مواجه بوده مدتها می‌اندیشیدم: چرا این بُرج به گنبد غفاریه معروف شده است؟ این غفار که بود؟ در چه زمانی می‌زیست؟ با صاحب مقبره چه نسبتی داشت؟ و چه‌ها و چرا‌هایی نظیر اینها.

چند روز پیش که به محضر آقای جعفر سلطان‌القرائی رسیدم،

۱. ص ۵۶۲-۵۶۳، آثار البلاد و اخبار العباد، بیروت ۱۳۸۰ ه. ق.

این مسأله در خدمتشان مطرح شد ، فرمودند من یادداشتی در این باره دارم، شاید بتواند پاسخگوی این سؤال باشد. باکمال سماحت و بزرگواری یادداشتی را که ذیلاً آورده می شود مر حمت نمودند، معلوم شد که به احتمال قوی ، عارف متمکنی به نام نظام الدین احمد بن حسین الغفاری در زمان فرمانروائی سلطان یعقوب بن حسن بیگ آق قویونلو هنگام مراجعت از سفر مکه سه سال در مراغہ توقف نموده و زاویہ و عمارتی برای اقامت و استراحت مسافران و ابنای سبیل در آن شهر ساخته و املاکی از باغ و زمین اتباع و جهت مصارف اداره آن، وقف کرده است ، این عمارت به « غفاریہ » موسوم گردیده و بُرجی نیز که از قدیم الایام در آن حوالی بوده به تَبَع نام این عمارت به « بُرج غفاریہ » یعنی بُرجی که در کنار یا محوطۂ عمارت غفاریہ واقع شده شهرت یافته است . اینک یادداشت مرحمتی جناب سلطان القرائی مد ظلّہ :

« مدت دوازده سال در کتابت این کتاب شریف سعی نموده شد تا

به اتمام رسید به تاریخ سنہ ست و تسعین و ثمانمائہ ، حرره العبد الحقیر الفقیر الی رحمۃ اللہ الباری نظام الدین احمد بن حسین بن محمد شاه بن حیدر بن ماید (مؤید) الغفاری المشہر به حیدر باربونی . چون کاتب العبد الفقیر این ثلاثہ شریفہ (مظهر العجائب ، جوهر الذات ، لسان الغیب) از زیارت حرمین شریفین وروضۂ منور نبی علیہ السلام وائئہ اثنا عشر رضوان اللہ علیہ و علیہم اجمعین بازگشته متوجه خراسان بود ، چون به ولایت بغداد به شهر حلہ رسید، نقارخانۂ دوطبقۂ عالی جهت امام الحی الحاضر القايم

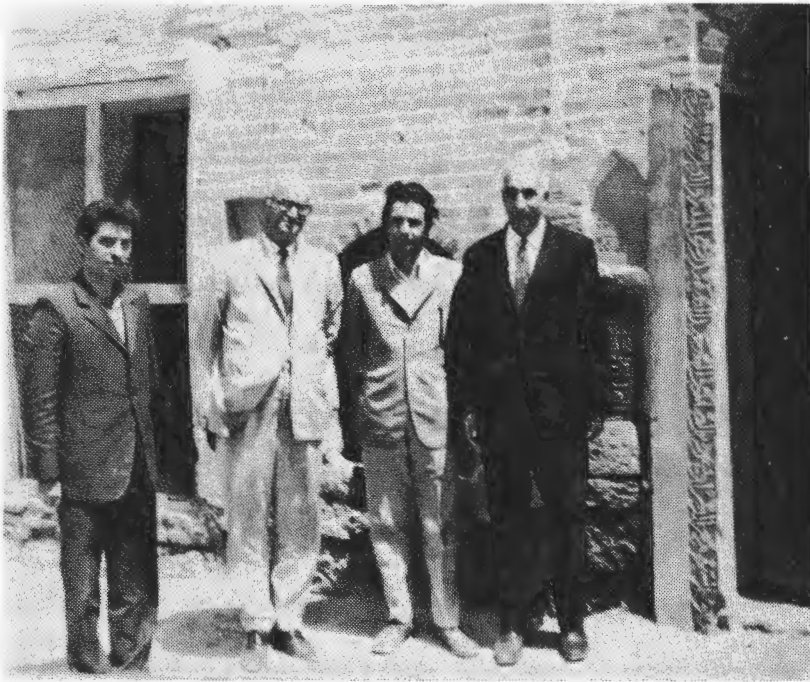
ابوالحسن صاحب الزمان محمد بن حسن العسکری علیه السلام ساخت و نقاره‌ای که سالها بر زمین می‌زدند از زمان غایب شدن آن حضرت تا این زمان، بر بالای آن عمارت بُرد در مقابل مقام شریف آن حضرت در لب آب فرات از خالص مال خود. و از آنجا چون به خطه طیبه مراغه تبریز رسیده شد هیچ مقام نیافت که نزول فقرا و آینده و رونده و ابنای سبیل تواند بود، سه سال پیوسته توقف کرده شد و زاویه دیاک از خالص مال خود جهت فقرا و ابنای سبیل و آینده و رونده و غیره ساخت و بعض رقبات طیبه از باغ و زمین خریده وقف آن بقعه خیر کرده شد و آن بقعه مشهور و منسوب است به غفاریه به زمان دولت سلطان یعقوب بن حسن بیک علیه الرحمه. مقصود از این کتاب آنکه اگر عزیزی به مطالعه این کتاب شریف برسد این مخلص را به دعاء خیر یاد کند جهت آنکه این فقیر مال خود را فدای راه خدا کرده و اقلیم اربعه را تمام گشته جهت زیارت ظاهر و باطن انبیاء و اولیاء و ائمه دین و پیشوایان یقین... آنکه این ثلاثه عزیز داند و... کتاب... نمی‌شود والسلام^۱. آخر کتاب لسان الغیب منسوب به شیخ عطار.

۳. در پاورقی صفحه ۲۸ به سنگ سیاه بزرگی اشاره شد که در پایه مدخل کفشکن وجود دارد، به ظن قوی این سنگ متعلق به قبر یکی از فرزندان شیخ معزالدین اویس است که هنگام تجدید بنای مسجد یا

۱. نقل از کتاب تصوف و آثار صوفیه تألیف شرقشناس فقید روسی پروفیسور

برتلس Y. E. Bertels متوفی به سال ۱۹۵۷ م. متعلق به آقای محمدلوی عباسی.

تعمیرات بعدی، آن را در پایه طاق قرار داده و قرینه‌ای برایش در پایه مقابل تعبیه کرده‌اند. از نوشته‌های سنگ مزبور آنچه در بیرون مانده و خوانده می‌شود این است: «... المغفور شیخ معزالدین اویس بن الصاحب السعید الشهید رضی الملة والدين ابراهيم العزی توفی ...». عکس زیر آقایان مقتدر، دکتر هدایتی، پیرنیا و میرابی را در کنار سنگ مورد بحث نشان می‌دهد.



سنگ‌نبشته‌های موجود در این مسجد و مقبره و منضعات آنها، به این یکی دو تا منحصر نیست و اگر کاوش اصولی ساده‌ای در حوالی مقبره و حیاط و ایوان مسجد بعمل آید کتیبه‌های فراوانی به دست خواهد

آمد که در روشن ساختن تاریخ قرون هفت تا دوازده هجری مراغه کمک ارزنده‌ای خواهد نمود.

۴. در خواندن وثبت نوشته ستون سنگی مسجد شیخ بابا و دیدن عده‌ای از بناهای تاریخی مراغه دوستان دانشمند عزیز آقایان حسین مقتدر رئیس و روح‌الله پیرنیا معاون آموزش و پرورش مراغه و آقای تیمور میرابی نماینده فرهنگ و هنر در مراغه با نهایت لطف بنده و دوست و همسفر دانشمند ارجمندم آقای دکتر یوسف هدایتی سرپرست دفتر فنی تعمیرات آثار باستانی آذربایجان را یاری و همراهی فرمودند. اصولاً اگر مرحمت ایشان و آقای دکتر هدایتی و همراهان عزیز سفرهای پیشینم، بخصوص آقای محمود اصفهانی زاده معاون دانشمند سابق آموزش و پرورش آذربایجان شرقی نبود توفیق معرفی آثار باستانی مراغه بدین صورت دست نمی‌داد. اینک ضمن سپاسگزاری از مراحم همه این دوستان مهربان یادآور می‌شوم که برای حصول اطمینان از صحت رونوشت مندرجات ستون سنگی مسجد شیخ بابا و درستی سلسله مشایخ نام برده شده در آن، لازم بود به کتاب قابل اعتمادی رجوع شود که خوشبختانه با هدایت محقق بزرگوار آقای جعفر سلطان‌القرائی مدظله به کتاب نفیس روضات الجنان و جنات الجنان^۱ حافظ حسین کر بلائی مراجعه و اسمهای را که در دو جا با شباهت و پیش استنساخ شده بود تصحیح کردم.

۱. تصحیح جعفر سلطان‌القرائی، ج ۱، ص ۴۷۳ و ۴۷۴، تهران ۱۳۴۴.

مآخذ :

۱. آثار البلاد و اخبار العباد زکریا بن محمد قزوینی ۱۳۸۰ ق .
۲. تاریخ صنایع ایران ، کریستی ویلسن ، ترجمه فریار ۱۳۱۷ ش .
۳. تاریخ مغول ، عباس اقبال آشتیانی - ۱۳۴۱ ش .
۴. جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران و آذربایجان ، ابوالقاسم طاهری ۱۳۴۷ ش .
۵. حبیب السیر ، خواندمیر ، ج ۳ و ۴ ۱۳۳۳ ش .
۶. دائرة المعارف اسلامی ، ماده مراغه (ص ۲۷۷ - ۲۸۲ متن فرانسوی) ، مینورسکی ۱۳۴۵ ش .
۷. دائرة المعارف فارسی فرانکلین ، ج ۱ ۱۳۴۵ ش .
۸. راهنمای آثار تاریخی آذربایجان ، اسماعیل دیباج ۱۳۴۳ ش .
۹. روضات الجنان و جنات الجنان ، ج ۱ ، حافظ حسین کربلایی ۱۳۴۴ ش .
۱۰. شهریاران گمنام ، احمد کسروی ۱۳۳۵ ش .
۱۱. معجم البلدان ، یاقوت حموی ، (ماده مراغه) ۱۹۵۵ م .
۱۲. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی ، ویلبر ، ترجمه فریار ۱۳۴۶ ش .
۱۳. نزهة القلوب ، حمدالله مستوفی ۱۳۳۶ ش .
۱۴. یادداشت‌های آقای جعفر سلطان‌القرائی -
۱۵. یادداشت‌ها و مشاهدات شخص نگارنده -

فهرست اعلام

اشخاص

اوحداالدين اصفهانی ۸	آريامهر (محمد رضا شاه پهلوی) ۴۴
اولجايتو ۱۷، ۶	آقا محمدخان ۲۸
بابك خرمدين ۴	آقسنقر ۵
بايزيد ۴۰	ابراهيم ۴، ۴۰
برتلس ۵۷	ابن الفقيه ۳
بطلميوس ۳	ابوالحسن محمد بن حسن العسكري ۵۷
بلاذري ۳	ابوسعيد بهادرخان ۶، ۱۶، ۱۷، ۴۲، ۵۵
بنی ساج ۴	
بودا ۱۵	ابوالعزيز بن محمود ۹
بی بی جان خانم ۵۲	ابوالمسافر الفتح ۴
پارتيها ۳	ابهري، قطب الدين احمد ۴۰
پيرنيا، روح الله ۵۸، ۵۹	احمد بن محمد ۴۰
تاج الدين (شيخ) ۳۶	احمدخان مقدم ۷
جستان ۴	احمد دينوري ۴۰
جلال الدين خوارزمشاه ۵	احمديل ۵
جلال الدين (کاتب) ۴۰	اسد زاده ۳۱
جلال الدين ميرك ۶، ۲۷-۲۹	اسماعيل (شاه) ۷، ۲۹
جمال الدين (سيد) ۴۰	اشرف چوپانی ۶
جنید بغدادی ۴۰	اصفهانى زاده، محمود ۵۹
حافظ حسين كربلائی ۶۰	افشين ۴
حييب بصري عجمی ۴۰	اقبال آشتیانی، عباس ۶۰
حييب يغمائی ۷	اوحدي، ركن الدين ابوالحسن ۴۲

- حسن جلایری ۶
 حمدالله مستوفی ۶۰
 حموی، یاقوت ۳، ۵۳، ۶۰
 خواجه اصیل الدین ۴۲
 خواجه ضیاء الدین ۴۲
 خواجه نصیرالدین طوسی ۵، ۱۸، ۴۲
 خواندمیر ۶۰
 داود ۵
 داود طائی ۴۰
 دلال بدر، حسین ۴۵
 دیاج، اسماعیل ۶۰
 رضی الدین ابراهیم ۶، ۲۷، ۲۹، ۵۸
 رکن الدوله دیلمی ۴
 رکن الدین محمد سجاسی ۴۰
 زاهد الجیلی (زاهد گیلانی) ۴۰
 زمان بیگ ۴۶
 سجاسی، محمد ۴۰
 سری سقطی ۴۰
 سلطان القرائی، جعفر ۵۵، ۵۶، ۵۹، ۶۰
 سهروردی، ابی النجیب عبدالقاهر ۴۰
 شجاع الدوله، صمدخان ۷
 شمس الدین دینوری ۴۰
 شمس الدین قره سنقر ۶، ۱۶، ۵۵
 شهاب الدین ۴۰
 شهاب الدین محمود تبریزی ۴۰
 شیخ بابا، فخرالدین ۴۰
 شیخ بابا، کمال الدین ۴۰
 صدرالدین (قاضی) ۵۴، ۵۵
 طاهری، ابوالقاسم ۶۰
 طغا تیمور ۶
 طهماسب (شاه) ۷، ۲۲، ۲۹، ۵۲
 عباس میرزا ۷
 عبدالعزیز پاشا ۷
 عبدالعظیم ۲۹
 عیبدالله کرد ۷
 عطاءالله بن موسی کاظم ۳۳
 عطار (شیخ) ۵۷
 علاء الدین کوربه ارسلان ۵
 علی (ع) ۲۲، ۴۰
 علی (حجار) ۴۰
 غازان خان ۶، ۱۸
 غز ۵
 فتح الله بن حاجی خلیل الله بن عیبدالله التابانی ۴۰
 فرخنده سلطان ۲۷
 فریار ۶۰
 قره سنقر ۱۷
 قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود ۵۳، ۶۰
 قطب الدین احمد ابهری ۴۰
 قطب الدین محمود بن مسعود ۱۸
 کارنگ ۴۸
 کریستی ویلسن ۶۰
 کسروی، احمد ۶۰
 گدار ۱۵

- | | |
|-------------------------------|---------------------------------|
| مقتدر، حسين ۵۸، ۵۹ | گلابی (شيخ) ۴۰ |
| ملا احمد ۲۸ | مارك آنتوان ۳ |
| ملك الناصر ۶، ۱۶، ۱۷ | مجاهد (شيخ) ۴۰ |
| ملكشاه سلجوقي ۵ | محسن معمار ۹ |
| منصور بيگ ۵۲ | محمد ۵، ۶ |
| موسى بن جعفر ۳۳ | محمد افشين بن ديوداد ۴ |
| ميرابى، تيمور ۴۵، ۵۸، ۵۹ | محمد باقر زهتابى ۳۱ |
| ميرزا بيگ ۴۶ | محمد بن بندان ۹ |
| مينورسكى ۷، ۸، ۴۳، ۶۰ | محمد بن خالد جيلى ۵۵ |
| نادر ۷ | محمد بن عبدالرزاق ۴ |
| نسى (حاجى) ۳۰ | محمد بن عبدالملك ۱۸ |
| نجد ۳۱ | محمد بن محمود ۵ |
| نصرة الدين ارسلان آبه ۵ | محمد لوى عباسى ۵۷ |
| نظام الدين احمد بن حسين ۵۶ | محمد مؤمن ۲۲ |
| نظامى گنجوى ۵ | محمود (ملك) ۵ |
| وجنا بن رواد ۴ | محيى الدين يحيى بن محمد ۱۸ |
| ويلبر ۶۰ | مرزبان ديلمى ۵ |
| هارون الرشيد ۴ | مروان بن محمد ۳ |
| هدايتى، دكتور يوسف ۴۵، ۵۸، ۵۹ | مسعود (ملك) ۵، ۳۱ |
| هلاكو ۵، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۳۳ | مسيح ۳، ۱۵ |
| ياقوت حموى ۳، ۵۳، ۶۰ | مصطفى ۴۰ |
| يعقوب بن حسن بيگ ۵۶، ۵۷ | معروف كرخى ۴۰ |
| يعقوب (شيخ) ۴۰ | معز الدين اويس ۶، ۲۴، ۲۷-۲۹، ۵۷ |
| يوسف بن ديوداد ۴ | ۵۸ |
| | مغيرة بن شعبه ۳ |

اماکن

- آذربایجان ۴، ۶، ۱۵، ۲۹، ۵۳
 آذربایجان شرقی ۲۸، ۳۸
 آقا محمدتقی (مسجد) ۲۹، ۳۷
 اردبیل ۴
 ارومیه ۱۸
 افرا رود ۳
 امامزاده حسن ۳۳
 امامزاده عطاءالله ۸، ۳۱، ۳۲
 امامزاده (مسجد و مدرسه) ۳۱
 امامزاده معصوم (مقبره) ۸، ۴۴-۴۶
 اوحدی (خیابان) ۱۱، ۳۳
 اوحدی (مقبره) ۴۳، ۴۴
 ایران ۶، ۷، ۱۵
 برج استوانه‌ای ۱۱، ۱۲
 برج کبود ۱۳-۱۵
 بغداد ۱۸
 بناب ۷، ۴۹-۵۲
 بیست و پنج شهریور (خیابان) ۴۲
 تبریز ۳، ۱۹
 چیچست (دریاچه) ۳
 حلب ۶، ۱۶
 حله ۵۳
 خواجه نصیر (خیابان) ۱۱، ۳۶، ۳۷
 دهخوارقان ۷
 دیاک (زاویه) ۵۷
 رصدخانه مراغه ۱۸
 رضائیه ۱۸
 زنجگان (کوه) ۵۴
 زنجیرلی (مسجد) ۸، ۳۳
 سبزیچی‌ها (کوچه) ۴۲
 سهند (کوه) ۳
 شیخ بابا (مسجد) ۸، ۳۸-۴۲، ۵۹
 شیخ تاج (مسجد) ۷، ۳۶
 صافی (رود) ۷، ۱۶
 غفاریه (برج) ۶، ۱۶، ۱۷، ۲۳
 غفاریه (عمارت) ۵۵-۵۷
 فراءته (ناحیه) ۳
 فرات (رود) ۵۷
 فرارود ۳
 قیامت آباد ۵۴
 گزاوشت (مسجد) ۴۹، ۵۲
 گنبد سرخ ۸، ۱۰، ۱۶
 گوی برج ۱۳
 گیلان ۴
 مارگیانه ۳
 مدینه ۵۵
 مراغه ۱، ۳-۲۴، ۲۷-۴۶، ۴۸-۶۰
 مسجد جامع ۸، ۳۶
 مسجد معزالدین ۸، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۳۰، ۳۱
 مسجد ملارستم ۸، ۳۳-۳۶
 مسجد ملاعزالدین ۲۰
 مسجد مهرآباد ۴۹-۵۱
 مصر ۶، ۱۶، ۱۷
 مغان ۳
 مقبره اوحدی ۸، ۴۲، ۴۳
 مقبره معزالدین ۲۳
 میدان آرد فروشان ۲۰
 واسط ۵۳
 ورجوی ۴۴-۴۷

پایان